

Presenting a model for attracting foreign investment with a problem-oriented approach to the business environment

Alireza Vahhabi barzi

PhD student in Business Management-Marketing, Tehran Azad University,
Central Tehran Branch
alirezavahhabi@gmail.com

Bahram Kheiri

Associate Professor, Department of Business, Faculty of Management,
Islamic Azad University, Central Tehran Branch (Corresponding Author)
bahramkheiri@gmail.com

Hamed Nazarpour Kashani

Assistant Professor, Department of Commerce, Faculty of Management,
Islamic Azad University, Central Tehran Branch
h.nazarpour@iauctb.ac.ir

Foreign investment is one of the most important factors of economic development in developing countries. This type of investment can help increase production, create jobs, transfer technology, and improve infrastructure. The purpose of this research is to identify the factors affecting the attraction of foreign investment with a problem-oriented approach to the business environment. Using the grounded theory method and in-depth interview technique, interviews were conducted with 20 managers, elites, foreign investors, and economic experts. A purposive sampling process was used and information collection in each area continued until theoretical saturation was reached. To assess validity, four main tests were conducted, including "verifiability", "credibility", "transferability", and "reliability". The data were analyzed using open, axial, and selective coding methods using the Strauss and Corbin approach. The results of the study indicate that the absence of a functionalist perspective, the presence of inefficient tools, the lack of a unified view of managers, the absence of unity of procedure and command, the instability of laws and regulations, and the absence of a powerful center as the sole institution responsible for attracting foreign investment have an effect on the rate of attracting foreign investment. The results of this research have been analyzed and examined in the form of a paradigmatic model.

JEL Classification: K22 ,F21 ,B41

Keywords: Business environment, attracting foreign investment, problem-oriented approach.

ارائه مدل جذب سرمایه‌گذاری خارجی با رویکرد مسأله مدارانه فضای کسب و کار

علیرضا وهابی برزی

دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی-بازاریابی دانشگاه آزاد تهران واحد تهران مرکزی
alirezavahhabi@gmail.com

بهرام خیری

دانشیار گروه بازرگانی، دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)
bahramkheiri@gmail.com

حامد نظریور کاشانی

استادیار گروه بازرگانی، دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
h.nazarpour@iauctb.ac.ir

سرمایه‌گذاری خارجی یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند به افزایش تولید، اشتغال‌زایی، انتقال فناوری و بهبود زیرساخت‌ها کمک کند. هدف از انجام این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی با رویکرد مسأله مدارانه فضای کسب و کار است. با استفاده از روش گراند تئوری و تکنیک مصاحبه عمیق با ۲۰ نفر از مدیران، نخبگان، کارشناسان اقتصادی و سرمایه‌گذاران خارجی مصاحبه انجام شده است. فرآیند نمونه‌گیری هدفمند به کار گرفته شده و جمع‌آوری اطلاعات در هر حوزه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرده است. جهت سنجش روایی، چهار آزمون اصلی شامل «تأییدپذیری»، «باورپذیری»، «انتقال‌پذیری» و «اعتمادپذیری» و برای سنجش پایایی آزمون کاپا انجام پذیرفته است. با توجه به مقدار ضریب کاپای ۰/۷۰۶ این پژوهش دارای ۶۳٪ اعتبار است. داده‌ها با روش‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از رویکرد اشتراوس و کوربین تحلیل گردیده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که عدم وجود نگاه کارکردگرایانه، وجود ابزارهای ناکارآمد، نداشتن نگاه واحد مدیران، عدم وجود وحدت رویه و فرماندهی، عدم ثبات قوانین و مقررات و عدم وجود یک مرکزیت مقتدر به عنوان یگانه نهاد متولی جذب سرمایه‌گذاری خارجی بر میزان جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی مؤثر است. نتایج این پژوهش در قالب یک مدل پارادایمی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

طبقه‌بندی JEL: B41, F21, K22

واژگان کلیدی: فضای کسب و کار، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، رویکرد مسأله مدارانه.

۱. مقدمه

در عصر جهانی‌سازی و رقابت فزاینده اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال و انتقال فناوری شناخته می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) نه تنها به عنوان منبعی برای تأمین مالی پروژه‌های بزرگ محسوب می‌گردد، بلکه با انتقال دانش فنی، بهبود مدیریت و ارتقای بهره‌وری، نقش کلیدی در رشد پایدار اقتصاد و حرکت یک اقتصاد به سوی توسعه یافتگی ایفا می‌کند. با این حال، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، با چالش‌های متعددی روبرو است. این چالش‌ها عمدتاً ناشی از فضای نامساعد کسب و کار، نا اطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی، ضعف زیرساخت‌ها و موانع اداری و قانونی هستند. در دهه‌های اخیر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد و توسعه اقتصادی در جهان شناخته شده است. براساس گزارش کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (UNCTAD2)، جریان جهانی سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۲۲ به حدود ۱/۶۵ تریلیون دلار رسید که نشان‌دهنده نقش حیاتی این سرمایه‌ها در تحول اقتصادی کشورهاست. کشورهایی مانند چین، هند و سنگاپور با بهبود مستمر فضای کسب و کار و ارائه مشوق‌های هدفمند به موفقیت‌های چشم‌گیری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی دست یافته‌اند. به عنوان مثال، سنگاپور با رتبه دوم در شاخص سهولت انجام کسب و کار، سالانه بیش از ۶۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب می‌کند. ایران با وجود

-
1. Foreign Direct Investment
 2. UN Trade and Development

برخورداری از مزیت‌های بی‌بدیل مانند ذخایر عظیم نفت و گاز (رتبه دوم گاز و چهارم نفت جهان)، موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک (اتصال خلیج فارس به آسیای مرکزی و قفقاز) و جمعیت جوان و تحصیل کرده (بیش از ۶۰ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال)، نتوانسته است سهم مناسبی از سرمایه‌گذاری خارجی جهانی را به خود اختصاص دهد. براساس گزارش آنکتاد، ایران در سال ۲۰۲۱ تنها ۱/۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرده و این در حالی است که ترکیه در همین زمان با جذب ۱۴ میلیارد دلار، جایگاه و رتبه بهتری در منطقه دارد. این اختلاف نشان‌دهنده وجود موانع ساختاری در فضای کسب و کار ایران است که نیازمند بررسی عمیق و ارائه راهکارهای مسأله‌مدارانه است. ایران با داشتن مزیت‌های منحصر به فردی همچون موقعیت ژئوپولیتیک و استراتژیک، ذخایر عظیم انرژی، جمعیت جوان و تحصیل کرده و بازار بزرگ منطقه‌ای، پتانسیل بسیار زیادی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه را دارد. با این وجود، براساس گزارش‌های بین‌المللی مانند شاخص‌های *Doing Business* بانک جهانی، ایران در سال‌های اخیر رتبه مناسبی در زمینه سهولت انجام کسب و کار نداشته و این موضوع نشان می‌دهد که فضای کسب و کار نامساعد و چالش‌های ساختاری، مانع اصلی جذب سرمایه‌گذاران خارجی بوده‌اند. در این راستا، ارائه یک مدل جامع و مسأله‌مدارانه برای بهبود فضای کسب و کار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی ضروری به نظر می‌رسد. این مدل باید با شناسایی دقیق موانع و چالش‌ها، راهکارهای عملیاتی و مبتنی بر شواهد را ارائه دهد تا بتواند اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب و زمینه را برای ورود سرمایه‌های خارجی فراهم کند. مطالعات متعددی به بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته‌اند، لیکن صرفاً بر

یک بعد و یکی از عوامل مؤثر بر عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته‌اند و نگاهی جامع‌نگر^۱ و کل‌نگر^۲ نداشته‌اند. پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که ثبات سیاسی و اقتصادی، شفافیت قوانین، کیفیت زیرساخت‌ها و کاهش بوروکراسی اداری از جمله عوامل کلیدی در جذب FDI هستند. با این حال، در ایران، عواملی مانند تحریم‌های بین‌المللی، نااطمینانی در سیاست‌های اقتصادی، فساد اداری و ضعف زیرساخت‌های دیجیتال به عنوان موانع اصلی شناسایی شده‌اند. به عنوان مثال، رتبه ایران در شاخص ادراک فساد (CPI3) در سال ۲۰۲۲، کشور ۱۴۶ از ۱۸۰ بوده است که بیانگر وجود چالشی جدی در این حوزه است براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۷۰ درصد از سرمایه‌گذاران خارجی، مشکلاتی مانند تغییرات مکرر قوانین، ناکارآمدی سیستم مالیاتی و طولانی بودن فرآیند اخذ مجوزها را به عنوان دلایل اصلی عدم تمایل به سرمایه‌گذاری در ایران ذکر کرده‌اند. این چالش‌ها نه تنها سرمایه‌گذاران خارجی، بلکه فعالان داخلی را نیز با دشواری مواجه ساخته است. در شرایطی که اقتصاد ایران با چالش‌هایی مانند نرخ بیکاری بالا (بیش از ۹ درصد در سال ۱۴۰۱)، تحریم‌های بین‌المللی، و کاهش درآمدهای نفتی مواجه است، جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به عنوان راهکاری استراتژیک برای خروج از رکود و ایجاد رشد پایدار اقتصادی عمل کند. با این حال، فضای کسب‌وکار نامساعد به عنوان اصلی‌ترین مانع در مسیر جذب سرمایه‌گذاری خارجی شناخته می‌شود. براساس توضیحات داده شده اهمیت این تحقیق از دو جنبه نظری و عملی قابل بررسی است:

-
1. Comprehensive view
 2. Holistic view
 3. Corruption Perceptions Index

- **از منظر نظری**، این پژوهش با ارائه مدلی جامع که موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی را در چارچوبی مسأله‌مدارانه تحلیل می‌کند، به غنای ادبیات موجود در حوزه اقتصاد بین‌الملل و مدیریت سرمایه‌گذاری کمک می‌کند.
- **از منظر عملی**، مدل پیشنهادی می‌تواند به سیاست‌گذاران در تدوین راهبردهای بهبود فضای کسب‌وکار، اصلاح قوانین، و طراحی مشوق‌های هدفمند یاری رساند. هدف اصلی این تحقیق، ارائه مدلی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با رویکرد مسأله‌مدارانه فضای کسب‌وکار است. این مدل با تمرکز بر شناسایی موانع ساختاری و رفع موانع اصلی جذب سرمایه‌گذاری، به دنبال ایجاد چارچوبی است تا ضمن تبدیل چالش‌ها به فرصت‌های سرمایه‌گذاری بتواند به سیاست‌گذاران، مدیران و فعالان اقتصادی کمک کند تا با استفاده از ابزارها و راهکارهای عملی، فضای کسب‌وکار را بهبود بخشد و جریان سرمایه‌گذاری خارجی را به سمت بخش‌های مولد و استراتژیک هدایت کنند. این تحقیق با بررسی تجربیات موفق کشورهای دیگر و تحلیل شرایط داخلی، به دنبال پاسخ به سؤالات کلیدی زیر است:

- مهم‌ترین موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران کدامند؟
- چه راهکارهایی برای بهبود فضای کسب‌وکار و کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری می‌توان ارائه داد؟
- چگونه می‌توان مدلی جامع و عملیاتی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با مدنظر قراردادن بهبود فضای کسب‌وکار طراحی کرد؟

اهمیت این تحقیق از چند جنبه قابل بررسی است:

- **اقتصادی:** جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و افزایش صادرات عمل کند.
 - **فناوری:** سرمایه‌گذاری خارجی زمینه‌ساز انتقال فناوری‌های پیشرفته و بهبود بهره‌وری در بخش‌های مختلف اقتصادی است.
 - **اجتماعی:** با ایجاد فرصت‌های شغلی و بهبود استانداردهای زندگی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به کاهش فقر و نابرابری کمک کند.
 - **سیاسی:** بهبود فضای کسب‌وکار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند اعتماد جامعه بین‌المللی را جلب کرده و روابط دیپلماتیک را تقویت کند.
- در نهایت لازم به ذکر است ارائه مدلی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با مدنظر قرار دادن رویکرد مسأله‌مدارانه، نه تنها به بهبود فضای کسب و کار کمک می‌کند؛ بلکه می‌تواند به عنوان نقشه راهی برای خروج اقتصاد ایران از بن بست کنونی عمل کند. این تحقیق با ترکیب روش‌های نوین و تمرکز بر چالش‌های واقعی، گامی به سوی تحقق چشم‌انداز اقتصاد مقاومتی و رشد و توسعه پایدار است. این تحقیق با ارائه مدلی کاربردی و مبتنی بر شواهد، به دنبال ایجاد تحولی اساسی در فضای سیاست‌گذاری سرمایه‌گذاری و کسب و کار کشور و تبدیل آن به مقصدی جذاب برای سرمایه‌گذاران خارجی است. این امر نه تنها به رشد اقتصادی کشور کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز توسعه پایدار و افزایش رفاه اجتماعی خواهد بود.

۲. ادبیات و چارچوب نظری

سرمایه‌گذاری خارجی یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند به افزایش تولید، اشتغال‌زایی، انتقال فناوری و بهبود زیرساخت‌ها کمک کند. با این حال، جذب سرمایه‌گذاری خارجی به شدت تحت تأثیر فضای کسب و کار کشور میزبان قرار دارد. فضای کسب و کار شامل مجموعه‌ای از عوامل محیطی، قانونی، اقتصادی و اجتماعی است که بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی اثر می‌گذارد. در چارچوب نظری این مقاله تلاش می‌شود تا با رویکردی مسأله‌مدارانه، عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی شناسایی و مدلی برای بهبود این فرآیند ارائه شود.

۱-۲. مبانی نظری جذب سرمایه‌گذاری خارجی

بر مبنای تعریف آنکتادا^۱ «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» آن است که یک موسسه مقیم در یک کشور، در بنگاه مقیم در کشور دیگر (شرکت وابسته) سرمایه‌گذاری بلندمدت انجام دهد به نحوی که متضمن منافع بلندمدت و البته دوطرفه و مضافاً حق کنترل برای سرمایه‌گذاران خارجی باشد. حداقل ۱۰ درصد از سرمایه سهمی از سهام عادی یک واحد حقوقی یا معادل آن برای یک واحد غیرحقوقی معمولاً به عنوان حد آستانه FDI مدنظر قرار می‌گیرد. در خصوص مزایا و اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان به به موارد زیر اشاره نمود:

۱. مشارکت در توسعه اقتصادی کشور
 ۲. تأمین منابع مالی مورد نیاز جهت اجرای پروژه‌ها
 ۳. ارتقا سطح فناوری و مهارت‌های مدیریتی
 ۴. تولید کالاهای با کیفیت و قابل رقابت در سطح بین‌المللی
 ۵. خلق فرصت‌های شغلی جدید
 ۶. افزایش میزان صادرات
 ۷. تسریع روند توسعه کشور و ارتقا جایگاه جهانی کشور
- امروزه بسیاری از کشورهای جهان به واسطه عدم تکافوی منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری، تمایل شدیدی به جذب سرمایه‌های خارجی پیدا کرده‌اند. در کشور ما نیز با اینکه حجم عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها توسط دولت در قالب بودجه‌های عمرانی انجام می‌شود، اما با رویکرد افزایش حضور بخش خصوصی در اقتصاد که در سال‌های اخیر اعمال شده است، اهمیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در کنار آن جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز بیش از پیش اهمیت یافته است. در سال‌های اخیر بهبود شرایط اقتصادی و ثبات سیاسی و در نهایت کاهش درجه ریسک کشور، امکان حضور سرمایه‌گذاران خارجی و جذب سرمایه‌های آنان را سهل‌تر ساخته است اما سرعت و گستره آن باید همراستا و هم اندازه با کشورهای توسعه یافته و کشورهای موفق در جذب سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یابد. برای بالندگی هرچه بیشتر در امر جذب سرمایه‌های خارجی، باید به فکر تغییر و بازنگری در نحوه فرآیند سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و عمرانی بخش‌های دولتی و عمومی و در نهایت گسترش حدود و ثغور مشارکت بخش‌های خصوصی داخلی و خارجی و بازنگری در نحوه تعامل با جهان پیرامون بود.

به منظور جذب سرمایه‌های خارجی و ایجاد زمینه برای بهبود سرمایه‌گذاری داخلی، به شرایط خاصی نیاز است که امروزه از آن به عنوان فضای کسب و کار یاد می‌شود. آنچه فضای کسب و کار را شکل می‌دهد برآیند عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی است. عواملی که در هر کدام می‌توانند تأثیر بسزایی بر کسب و کار داشته باشند. جذب سرمایه‌گذاری خارجی با دو ویژگی برخورداری از تکنولوژی و سیستم‌های روز هر صنعت و تأمین منابع مالی به صورت سرمایه و حتی استقراض از صاحب سرمایه و تأثیر آن بر توسعه و رشد اقتصادی و توسعه کسب و کار و اشتغال کشور از اهمیت خاصی برخوردار است. سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً به دو روش سرمایه‌گذاری سهامی (غیرمستقیم) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می‌شود. خرید اوراق قرضه و سهام شرکت‌ها در معاملات بورس و قبوض سپرده در بانک‌های خارجی از انواع سرمایه‌گذاری سهامی هستند که در این حالت، سرمایه‌گذار خارجی در اداره واحد تولیدی نقش مستقیم نداشته و مسوولیت مالی نیز متوجه وی نیست. مهمترین ویژگی سرمایه‌گذاری سهامی، فرار بودن آن است. به عبارت دیگر سرمایه‌گذار خارجی در هر لحظه قادر است با فروش سهام یا اوراق بهادار، سرمایه‌اش را به کشور خود یا کشور ثالث منتقل کند، اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نوعی سرمایه‌گذاری است که به منظور کسب منفعت دائمی و همیشگی در موسسه‌ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار انجام می‌شود و ضمن پذیرش ریسک حاصل از سرمایه‌گذاری خود، نتیجه آن کسب حق رای مؤثر در مدیریت شرکت است. به طور کلی سرمایه‌گذاری خارجی به تحصیل دارایی شرکت‌ها، موسسات و افراد کشورهای خارجی گفته می‌شود که به دو صورت قابل تفکیک است:

۱. سرمایه‌گذاری مستقیم که کشور یا سرمایه‌گذار خارجی به طور مستقیم یا با مشارکت سرمایه‌گذاران داخلی مبادرت به سرمایه‌گذاری می‌کند (FDI).

۲. سرمایه‌گذاری غیرمستقیم که معمولاً از طریق خرید سهام و اوراق قرضه در بورس توسط سرمایه‌گذاران خارجی انجام می‌شود (FPI).

سرمایه‌گذاری مستقیم می‌تواند به صورت سرمایه‌گذاری جدید، سرمایه‌گذاری مجدد^۱ از درآمدها یا وام از یک شرکت مادر یا شرکت تحت کنترل آن باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم را می‌توان به کمک این ضابطه که برای کسب منافع پایدار و نیز قدرت لازم در مدیریت بنگاه انجام می‌شود، از سرمایه‌گذاری غیرمستقیم باز شناخت؛ اما خصوصیت بارز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این است که صرفاً یک سرمایه‌گذاری نیست، بلکه انتقال تکنولوژی، تجربیات و مهارت‌های مربوط به مدیریت و بازاریابی و حضور در بازارهای جهانی را نیز می‌تواند به همراه داشته باشد، که ممکن است اهمیت آن برای کشور پذیرای سرمایه‌گذاری مهمتر از ورود سرمایه صرف باشد. در سرمایه‌گذاری مستقیم، کشور یا شرکت سرمایه‌گذار، مسئولیت امور مالی شرکت تولیدی یا تجاری را در کشور سرمایه‌پذیر بر عهده دارد و اداره و کنترل شرکت، جزو وظایف شرکت سرمایه‌گذار محسوب می‌شود. اما سرمایه‌گذاری در سبد مالی (غیرمستقیم) تمام سرمایه‌گذاری‌های یک شخصیت حقیقی یا حقوقی مقیم در یک کشور، در اوراق بهادار یک بنگاه مقیم در کشور را در برمی‌گیرد. هدف از این نوع سرمایه‌گذاری، تحصیل حداکثر سود از طریق تخصیص بهینه سرمایه در یک پرتفوی بین‌المللی است. سرمایه‌گذار برای نیل به این هدف با خرید اوراق قرضه و سهام شرکت‌ها در معاملات بورس و حتی سپرده‌گذاری بلند مدت در بانک‌های دیگر

کشورها، اقدام به تخصیص بهینه ثروتش می‌کند تا به این ترتیب، ریسک سرمایه‌گذاری ثروتش را کاهش دهد و درآمد بیشتری به دست آورد. در این نوع سرمایه‌گذاری خارجی، برخلاف سرمایه‌گذاری مستقیم، سرمایه‌گذار در اداره واحد تولیدی نقش مستقیم نداشته و مسوولیت مالی نیز متوجه وی نیست.

از انواع دیگر سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان به سرمایه‌گذاری مشترک^۱ اشاره کرد که در این دسته از سرمایه‌گذاری‌ها، شرکت سرمایه‌گذاری خارجی ممکن است سرمایه مورد نظر را خود راسا تأمین کند (سرمایه‌گذاری مستقل) یا فعالیت‌های اقتصادی خود را در قالب سرمایه‌گذاری مشترک انجام دهد. در سرمایه‌گذاری خارجی از نوع مشترک، هزینه‌های سرمایه‌گذاری و منافع حاصل از آن به تناسب بین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. امروزه، بیشتر کشورهای در حال توسعه این نوع سرمایه‌گذاری خارجی را به دلیل منافی که بر آن مترتب است بر سایر اشکال سرمایه‌گذاری خارجی ترجیح می‌دهند؛ چرا که دارای مزایای خوبی برای این دسته از کشورها است. به طور کلی می‌توان این مزایا را به شرح زیر خلاصه کرد:

- امکان ادغام سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در نظام اقتصادی - اجتماعی کشور
- میزبان، فراهم کردن زمینه تولید صنعتی مدرن و بهره‌مند شدن سرمایه‌گذار داخلی از تخصص شرکت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های صنعتی مدرن و تکنولوژی جدید.
- بهره‌مندی سرمایه‌گذار محلی از کارآیی مدیریت مشترک و کسب تجربه لازم.
- امکان سرمایه‌گذاری مجدد از سود حاصله شرکت در کشور میزبان.

1. Joint Venture

- سرمایه‌گذار خارجی در سود و زیان سرمایه‌گذاری مشترک سهیم است و تنها وقتی که بنگاه مورد سرمایه‌گذاری به بازده مثبت و سودآوری رسیده باشد از آن بهره‌مند می‌شود.
- برداشت توسط سرمایه‌گذار خارجی امکان‌پذیر است و اگر بنگاه دچار زیان شود، به سرمایه‌گذار خارجی پرداختی انجام نمی‌شود، بنابراین فشار مالی این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها برای کشورهای در حال توسعه به مراتب کمتر از اخذ وام و اعتبار بوده که در هر صورت دریافت‌کننده، مسوول بازپرداخت اصل و بهره آن است.
- بی‌تردید در عین حال که انگیزه اصلی هر سرمایه‌گذار خارجی، تحصیل حداکثر سود است، اما هدف‌های دیگری نیز وجود دارد که از آن جمله می‌توان موارد زیر را نام برد:
 - حصول اطمینان از قوام تأمین مواد اولیه.
 - بهره‌گیری از نیروی کار و احتمالاً مواد معدنی و سایر مواد اولیه ارزان قیمت.
 - اقدام به فعالیتی نظیر بانکداری و بیمه‌گری که در عین سودآوری، شرکت‌های خودی یا کشور موطن را حمایت کنند.
 - جبران کمبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری و وجود رقابت شدید در موطن صلی یا بالا بودن نرخ مالیات‌ها.
- در خصوص موضوع جذب سرمایه‌گذاری خارجی، موافقان و مخالفان بسیاری در جهان وجود دارد و این دو گروه بنا بر مزایا و معایب جذب و توسعه این نوع سرمایه‌گذاری، به موافقت یا مخالفت با آن می‌پردازند. در این که سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند در بعضی از پارامترهای اقتصادی کلان مانند تولید ناخالص داخلی، حجم سرمایه‌گذاری، میزان پس‌انداز، نرخ رشد تراز پرداخت‌ها، حجم بازرگانی خارجی و نرخ ارز اثرگذار

باشد، چندان مخالفتی نیست. معمولاً اختلاف در چگونگی این تأثیرها و میزان زیان‌های احتمالی و هزینه‌های متقابل آن است. موافقان سرمایه‌گذاری خارجی آن را راهی برای از میان برداشتن تفاوت میان مقادیر موجود و مقادیر لازم برای رسیدن به هدف‌ها و نیازهای توسعه ملی می‌دانند و بر این اساس معتقدند که سرمایه‌گذاری خارجی موجب بهبود کمیت‌هایی مانند پس‌انداز، ذخایر ارزی، دریافتی‌های دولت، تحصیل مهارت‌ها و دانش فنی، تأمین بازار، حضور در اقتصاد جهانی و بازارهای مالی و بین‌المللی می‌شود. موافقان سرمایه‌گذاری خارجی معتقدند که این سرمایه‌گذاری‌ها در حد سرمایه‌گذاری مالی متوقف نمی‌شوند، بلکه با خود مجموعه‌ای از عناصر و عوامل را به همراه دارند که به ویژه از نظر کشورهای در حال توسعه، با شرایط امروز اقتصاد جهانی از اهمیت زیادی برخوردار است. این‌گونه تجارب در کشورهای در حال توسعه کمتر وجود دارد و در نتیجه، سرمایه‌گذار خارجی با پر کردن این‌گونه فاصله‌ها، می‌تواند تحول بزرگی در راه توسعه اقتصاد کشور در حال توسعه ایجاد کند از جمله این‌که کشورهای در حال توسعه به کمک این سرمایه‌گذاری‌ها می‌آموزند که چگونه با بازارها، بانک‌ها و منابع تأمین مالی خارجی رفتار کنند. همچنین موافقان بر این امر تأکید دارند که سرمایه‌گذاری خارجی با خود تکنولوژی تولید، ماشین‌آلات و تجهیزات مدرن را به ارمغان می‌آورد که می‌تواند به انتقال تکنولوژی و مهارت و دانش بینجامد. از طرف دیگر، مخالفان سرمایه‌گذاری خارجی در مخالفت با این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها استدلال‌های خاص خود را دارند و معتقدند که سرمایه‌گذاری خارجی با وجود تأمین سرمایه در بلندمدت با ایجاد انحصاری و ممانعت از رقابت، عملاً موجب کاهش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه می‌شود، چرا که

بخش اعظم سود حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی به جای سرمایه‌گذاری مجدد، از کشور خارج می‌شود. از طرفی در آمد این سرمایه‌گذاری‌ها نیز عاید گروه‌هایی می‌شود که میل به پس‌انداز کمتری دارند و سرمایه‌گذاری‌های خارجی به افزایش سرمایه‌گذاری، موجب کاهش آن شده و با افزایش تقاضا موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود. مخالفان سرمایه‌گذاری‌های خارجی بر این اعتقادند که با این گونه سرمایه‌گذاری‌ها، اقتصاد دو قطبی خواهد شد و این امر موجب می‌شود تعداد محدودی از شاغلان در بخش‌های مدرن اقتصاد، مشغول و از درآمد بالاتری نیز برخوردار شوند، در نتیجه اختلاف میان درآمد آنان با سایر شاغلان افزایش می‌یابد. مخالفان بر این نکته تأکید می‌کنند که در اثر سرمایه‌گذاری خارجی، منابع محدود از احتیاجات اساسی به سمت تولید محصولات مدرن که تنها نیاز گروه خاصی را برطرف می‌کند منحرف می‌شود و در نتیجه تفاوت بین مناطق توسعه یافته و کمتر توسعه یافته در کشور مقصد سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. شاید بتوان گفت مهمترین نکته مخالفان سرمایه‌گذاری خارجی تأکید بر این موضوع است که سرمایه‌گذاری خارجی سرمایه‌بر بوده و بیشتر بر مبحث تکنولوژی تأکید دارد و این امر می‌تواند وضعیت اشتغال در کشورهای در حال توسعه را که مشکل اصلی این کشورهاست، پیچیده‌تر و بغرنج‌تر کند.

۲-۲. دیدگاه موافقان جذب سرمایه‌گذاری خارجی

موافقان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معتقدند که این نوع سرمایه‌گذاری نقش حیاتی در توسعه اقتصادی، بهبود زیرساخت‌ها، و تقویت جایگاه جهانی کشورها ایفا می‌کند. استدلال‌های اصلی آن‌ها شامل موارد زیر است:

۳-۲. رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منابع مالی جدیدی را به اقتصاد میزبان تزریق می‌کند که می‌تواند تولید، زیرساخت‌ها، و خدمات را تقویت کند. براساس گزارش آنکتاد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه به‌طور متوسط ۲-۳٪ به رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) کمک می‌کند. همچنین، ایجاد بنگاه‌های جدید یا توسعه صنایع موجود، فرصت‌های شغلی مستقیم و غیرمستقیم ایجاد می‌کند. برای مثال، ورود شرکت‌های چندملیتی مانند تویوتا به تایلند در دهه ۱۹۹۰، هزاران شغل در بخش خودروسازی ایجاد کرد.

۴-۲. انتقال فناوری و دانش

یکی از مهم‌ترین مزایای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، انتقال فناوری و دانش مدیریتی به کشورهای میزبان است. شرکت‌های خارجی اغلب فناوری‌های پیشرفته، فرآیندهای تولید مدرن، و استانداردهای مدیریتی را معرفی می‌کنند که بهره‌وری را افزایش می‌دهد. مطالعه‌ای از بانک جهانی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش فناوری اطلاعات هند، نوآوری و رقابت‌پذیری را در این کشور تقویت کرد.

۵-۲. بهبود زیرساخت‌ها و دسترسی به بازارهای جهانی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اغلب به توسعه زیرساخت‌هایی مانند بنادر، راه‌آهن، و شبکه‌های انرژی منجر می‌شود که برای اقتصاد میزبان حیاتی هستند. علاوه بر این، شرکت‌های چندملیتی می‌توانند دسترسی به بازارهای جهانی را از طریق شبکه‌های تجاری

خود فراهم کنند. برای مثال، سرمایه‌گذاری چین در بنادر سری‌لانکا (مانند بندر هامبانتوتا) زیرساخت‌های لجستیکی این کشور را بهبود بخشید و تجارت منطقه‌ای را تقویت کرد.

۶-۲. تقویت رقابت‌پذیری

ورود شرکت‌های خارجی رقابت را در بازارهای داخلی افزایش می‌دهد و بنگاه‌های محلی را به بهبود کیفیت و بهره‌وری تشویق می‌کند. براساس گزارش OECD رقابت‌ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای اروپای شرقی به بهبود استانداردهای تولید و خدمات منجر شد.

۳. دیدگاه مخالفان جذب سرمایه‌گذاری خارجی

مخالفان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معتقدند که این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند اثرات منفی بر اقتصاد، فرهنگ، و استقلال ملی داشته باشد. استدلال‌های اصلی آن‌ها شامل موارد زیر است:

۱-۳. وابستگی اقتصادی و خروج منابع

مخالفان استدلال می‌کنند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به وابستگی بیش از حد به شرکت‌های خارجی منجر شود، به‌ویژه در بخش‌های کلیدی مانند انرژی یا فناوری. سودهای حاصل از سرمایه‌گذاری اغلب به کشورهای مبدأ بازمی‌گردد و منابع طبیعی یا مالی کشور میزبان را تخلیه می‌کند. برای مثال، در آفریقا، سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش معدن (مانند نیجریه) اغلب به خروج منابع بدون توسعه پایدار منجر شده است.

۳-۲. تضعیف بنگاه‌های محلی

ورود شرکت‌های چندملیتی با منابع مالی و فناوری پیشرفته می‌تواند بنگاه‌های محلی را که توانایی رقابت ندارند، از بازار خارج کند. بررسی مطالعات نشان می‌دهد که در برخی کشورهای آمریکای لاتین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کاهش سهم بازار شرکت‌های کوچک و متوسط منجر شد.

۳-۳. تأثیرات فرهنگی و اجتماعی

مخالفان معتقدند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی محلی را تضعیف کند. برای مثال، ورود برندهای جهانی مانند مک‌دونالدز به کشورهای آسیایی گاهی با انتقادهایی درباره ترویج فرهنگ غربی و کاهش اهمیت سنت‌های محلی همراه بوده است. همچنین، پروژه‌های بزرگ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ممکن است به جابه‌جایی جوامع محلی یا تخریب محیط‌زیست منجر شود.

۳-۴. ریسک‌های سیاسی و از دست دادن استقلال

سرمایه‌گذاری خارجی، به‌ویژه در بخش‌های استراتژیک مانند انرژی یا زیرساخت‌ها، ممکن است نفوذ سیاسی کشورهای خارجی را افزایش دهد و استقلال ملی را تهدید کند. برای مثال، سرمایه‌گذاری‌های چین در آفریقا با نگرانی‌هایی درباره بدهی‌های سنگین و نفوذ سیاسی همراه بوده است.

۴. تحلیل موافقان و مخالفان

دیدگاه موافقان و مخالفان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هر دو ریشه در شواهد تجربی دارند، اما نتایج به شرایط خاص هر کشور بستگی دارد. کشورهای با سیاست‌های شفاف، نهادهای قوی، و زیرساخت‌های مناسب، مانند سنگاپور و ویتنام، از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بهره‌مند شده‌اند، در حالی که کشورهای با نهادهای ضعیف، مانند برخی کشورهای آفریقایی، با چالش‌هایی مواجه شده‌اند. عوامل کلیدی در موفقیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل موارد زیر است:

- **شفافیت و نظارت:** قراردادهای شفاف و نظارت قوی می‌تواند از خروج منابع و فساد جلوگیری کند.
- **سیاست‌های حمایتی:** حمایت از بنگاه‌های محلی در کنار جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند رقابت‌پذیری را حفظ کند.
- **توازن منافع:** ایجاد روابط برد-برد بین سرمایه‌گذاران و کشور میزبان برای کاهش وابستگی.

۴-۱. تجارب جهانی

تجارب جهانی نشان‌دهنده تنوع نتایج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است:

- **چین:** با ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و سیاست‌های هدفمند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از ۱.۹ میلیارد دلار در ۱۹۸۵ به ۱۳۸ میلیارد دلار در ۲۰۱۰ افزایش داد، اما نگرانی‌هایی درباره وابستگی به فناوری خارجی مطرح است.

• **نیجریه:** سرمایه‌گذاری در بخش نفت به خروج منابع و تخریب محیط‌زیست منجر شد، بدون توسعه پایدار.

• **وینام:** با اصلاحات اقتصادی و امضای توافق‌نامه‌های تجاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به موتور رشد اقتصادی تبدیل کرد، اما با چالش‌هایی مانند تضعیف بنگاه‌های کوچک مواجه است.

جذب سرمایه‌گذاری خارجی فرصت‌ها و چالش‌هایی را به همراه دارد. موافقان بر مزایایی مانند رشد اقتصادی، انتقال فناوری، و بهبود زیرساخت‌ها تأکید دارند، در حالی که مخالفان به ریسک‌هایی مانند وابستگی، تضعیف بنگاه‌های محلی، و تهدید استقلال ملی اشاره می‌کنند. تجارب جهانی نشان می‌دهند که موفقیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عوامل متعددی از جمله شفافیت، نهادهای قوی، و سیاست‌های هدفمند بستگی دارد. برای ایران، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند موتور رشد اقتصادی باشد، اما نیازمند رفع موانع کلیدی مانند تحریم‌ها، بوروکراسی، و عدم شفافیت است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، «سرمایه‌گذاری مشتمل بر ارتباط طولانی مدت، منافع پایدار و کنترل شرکت خارجی (سرمایه‌گذار مستقیم خارجی یا شرکت مادر) در کشور مقصد» است^۱ و وجه تمایز عمده آن با روش متداول فاینانس که صرفاً یک روش تأمین مالی از خارج کشور است، را می‌توان سهم بودن سرمایه‌گذار خارجی در ریسک سرمایه‌گذاری دانست که عواید مثبت دیگری از جمله انتقال دانش، مدیریت و فناوری به کشور میزبان را می‌تواند در پی داشته باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی دو دهه

1. UNCTAD, World Investment Report, 1999

اخیر رشد قابل توجهی در دنیا داشته و تلاش‌هایی برای جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است، اما نتیجه چنین تلاش‌هایی در ایران توفیق چندانی نداشته و ورود سرمایه خارجی به کشور همواره اندک بوده است. لذا پژوهش‌های متعددی به شناسایی موانع جذب و ارائه راهکارهای افزایش میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران پرداخته و بر مزایا و فواید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأکید کرده‌اند. مهمترین دلایل حجم اندک ورود سرمایه خارجی به ایران در غالب پژوهش‌ها، محیط نامناسب کسب و کار در داخل کشور و فضای نامساعد سیاسی بین‌المللی و تحریم‌ها در سال‌های اخیر عنوان می‌شود. اما در پژوهش‌ها کمتر به مسأله کیفیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران توجه شده و از اینکه طی سال‌های گذشته چگونه می‌توانستیم از ظرفیت‌های موجود بیشترین بهره را ببریم غفلت شده است. در واقع غالباً در پژوهش‌های انجام شده با مفروض دانستن نفع سرمایه‌گذاری خارجی برای کشور به دنبال ارائه راهکار برای ایجاد جذابیت و سودآوری برای خارجی‌ان بوده‌ایم و کمتر با لحاظ احتمال آسیب و یا کسب منافع حداقلی از سرمایه‌گذاری خارجی به راهکارهای پیشنهادی کردن منفعت کشور از طریق ورود سرمایه خارجی پرداخته‌ایم. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران به عنوان ابزار رشد و توسعه اقتصادی استفاده کرد و یا به تعبیر دیگر شرایط و الزامات بهره‌برداری بهینه از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قابل جذب در ایران چیست و چگونه ایجاد می‌شود.

سرمایه‌گذاران خارجی معمولاً به دنبال محیطی هستند که ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و قانونی در آن حداقل ممکن و بازدهی سرمایه حداکثر باشد. سرمایه‌گذاری

مستقیم خارجی به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی، همواره در کانون توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بوده است. نظریه‌های کلاسیک و مدرن، عوامل مختلفی را در جذب سرمایه‌گذاری خارجی مؤثر می‌دانند:

- نظریه مزیت مکانی جان دانینگ (OLI): این نظریه سه عامل مالکیت (تکنولوژی و برند)، مکان (هزینه نیروی کار، زیرساخت) و درونی‌سازی (کاهش هزینه معاملات) را به عنوان پایه‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی معرفی می‌کند.
- نظریه نهادی: بر نقش نهادهای رسمی (قوانین، مقررات) و غیررسمی (فرهنگ، اعتماد) در شکل‌دهی به محیط کسب‌وکار و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری تأکید دارد.
- نظریه مبادله سیاسی: تعاملات دیپلماتیک، ثبات سیاسی و روابط بین‌المللی را به عنوان عوامل کلیدی در جذب سرمایه‌گذاران خارجی معرفی می‌کند.

مطالعات تجربی نشان می‌دهند که بهبود شاخص‌هایی مانند سهولت انجام کسب‌وکار، شفافیت مالیاتی، حقوق مالکیت، و کیفیت زیرساخت‌ها ارتباط مستقیمی با افزایش جریان سرمایه‌گذاری خارجی دارد. برای مثال، گزارش بانک جهانی (۲۰۲۰) تأیید می‌کند که کشورهای دارای رتبه بالاتر در شاخص Doing Business، به طور متوسط ۴۰ درصد بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی جذب می‌کنند.

۲-۴. فضای کسب‌وکار و نقش آن در جذب سرمایه‌گذاری خارجی

فضای کسب و کار به مجموعه شرایطی اطلاق می‌شود که فعالیت اقتصادی بنگاه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مفهوم شامل مؤلفه‌های زیر است:

- مؤلفه‌های سخت‌افزاری: زیرساخت‌های فیزیکی (حمل و نقل، انرژی)، فناوری، و دسترسی به منابع.
- مؤلفه‌های نرم‌افزاری: قوانین و مقررات، شفافیت اداری، ثبات سیاست‌های اقتصادی و مبارزه با فساد.

بر اساس مدل موسسه فریزر، فضای کسب و کار مطلوب نیازمند حداقل مداخله دولت، آزادی اقتصادی و حمایت از حقوق مالکیت است. از سوی دیگر، رویکرد سازمان جهانی تجارت (WTO) بر اصلاحات ساختاری مانند کاهش تعرفه‌ها، تسهیل تجارت و رقابت‌پذیری به عنوان عوامل بهبود فضای کسب و کار تأکید می‌کند. در ایران، مطالعات متعددی نشان می‌دهند که نا اطمینانی سیاسی، تحریم‌های بین‌المللی، فساد اداری و ضعف زیرساخت‌های دیجیتال مهم‌ترین موانع فضای کسب و کار هستند. این چالش‌ها نه تنها هزینه مبادله را افزایش می‌دهند، بلکه ریسک سرمایه‌گذاری را به سطح غیرقابل تحملی می‌رسانند. فضای کسب و کار مجموعه‌ای از شرایط محیطی است که بر عملکرد شرکت‌ها و تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد. عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور عبارتند از عوامل اقتصادی از جمله بازار کشور میزبان، درجه بازبودن اقتصاد، خصوصی سازی، میزان رشد و توسعه اقتصادی، سود و بازدهی، نظام و سیاست‌های ارزی، نظام مالیاتی، نرخ تورم و بهره، امنیت و ثبات اقتصادی، کسری بودجه؛ عوامل ساختاری، تشویقی و حمایتی از جمله ساختار و نظام حقوقی و قضایی، انعقاد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، ساختار سیاست‌گذاری کشور، عوامل تسهیل‌کننده و حمایتی سرمایه‌گذاری و خدمات بعد از آن، زیرساخت‌ها و تسهیلات موجود در این زمینه، نظام بیمه‌ای و کاری کشور میزبان، وضعیت حقوق مالکیت معنوی، پوشش سرمایه‌گذاری، ساختار دیوانسالاری

و سیستم اداری، ارائه مشوق‌های لازم به سرمایه‌گذاران خارجی؛ عوامل جغرافیایی و طبیعی شامل عوامل جغرافیایی، عوامل و منابع طبیعی، منابع و سرمایه انسانی؛ عوامل سیاسی همچون عدم ثبات سیاسی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی کشور مؤثر می‌باشند (بهروزی، واقف و همکاران، ۱۳۹۴، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی).

۳-۴. رویکرد مسأله‌مدارانه در تحلیل فضای کسب‌وکار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی

رویکرد مسأله‌مدارانه ریشه در نظریه‌های حل مسأله و تصمیم‌گیری دارد و بر فرآیندهای ساختاریافته برای شناسایی و رفع مشکلات تأکید می‌کند. این رویکرد از مدل‌های مدیریت استراتژیک، مانند تحلیل SWOT و مدل پنج نیروی پورتر الهام گرفته و بر تحلیل عمیق مسائل برای ارائه راه‌حل‌های عملی تمرکز دارد. براساس (Goldstein, 1990)، رویکرد مسأله‌مدارانه شامل مراحل زیر است:

- **شناسایی مسأله:** تشخیص مشکلات کلیدی با استفاده از داده‌ها و مشاهدات.
 - **تحلیل مسأله:** بررسی علل ریشه‌ای و تأثیرات مسأله بر سیستم.
 - **طراحی راه‌حل:** ارائه راهکارهای مبتنی بر تحلیل برای رفع مسأله.
 - **اجرا و ارزیابی:** پیاده‌سازی راه‌حل‌ها و نظارت بر نتایج.
- در حوزه کسب‌وکار، این رویکرد به سازمان‌ها و سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا موانع رشد و توسعه را شناسایی کرده و با ارائه راهکارهای هدفمند، عملکرد را بهبود بخشند. براساس (Ackoff, 1978) حل مسأله به‌صورت مسأله‌مدارانه نیازمند درک سیستماتیک از تعاملات بین اجزای یک سیستم، مانند عوامل اقتصادی، قانونی و اجتماعی است.

فضای کسب و کار به مجموعه عوامل خارجی و داخلی تأثیرگذار بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی اشاره دارد که مدیران بنگاه‌ها معمولاً نمی‌توانند آن‌ها را به‌طور مستقیم تغییر دهند. این عوامل شامل سیاست‌های دولتی، زیرساخت‌ها، قوانین، شفافیت مالی و شرایط بازار است. براساس گزارش بانک جهانی، فضای کسب و کار مساعد برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی حیاتی است، زیرا سرمایه‌گذاران به دنبال محیط‌هایی با ریسک پایین، شفافیت بالا و زیرساخت‌های قوی هستند.

با استفاده از رویکرد مسأله‌مدارانه، می‌توان موانع اصلی را شناسایی و راهکارهایی عملی برای رفع آن‌ها را ارائه داد. مدل پیشنهادی در این چارچوب نظری می‌تواند نقشه راهی برای سیاست‌گذاران باشد تا با اصلاح عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار، زمینه را برای ورود هرچه بیشتر سرمایه‌های خارجی فراهم کنند. ترکیب نظریه‌های نهادی با رویکرد مسأله‌مدارانه، چارچوبی جامع برای تحلیل موانع جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ارائه راهکارهای عملیاتی فراهم می‌کند. این مدل با تبدیل چالش‌های فضای کسب و کار به فرصت‌های سرمایه‌گذاری، می‌تواند نقشه راهی برای سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی باشد. جذب سرمایه‌گذاری خارجی اساساً موضوعی پیچیده و تأثیرپذیر از چندین عامل داخلی و خارجی است. عوامل داخلی نظیر فضای کسب و کار، هماهنگی بین دستگاهی، مشوق‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری و... از یک سو و عوامل خارجی نظیر فضای بین‌الملل، تحریم‌های بین‌المللی، فضای تجارت بین‌الملل و صادرات و واردات از سوی دیگر بسیار بر موضوع میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی تأثیرگذار هستند. در دنیای کنونی شاهد آن هستیم که تغییرات در فضای بین‌الملل و رشد روزافزون کشورها در جذب سرمایه‌های سرگردان در حال افزایش است. به همین منظور ضروری به نظر می‌رسد که

دولت‌ها و کشورها جهت حفظ بقا در محیط‌های پرتلاطم کسب و کار و سرمایه‌گذاری، تغییراتی را ایجاد نمایند. به طور کلی، تغییر دارای ماهیت خاص خود است و نگرانی و نااطمینانی ایجاد می‌کند و در عین حال فرصت‌هایی را نیز به ارمغان می‌آورد. در این فرآیند، قوانین و مقررات، اندازه‌ها و مرزها تغییر می‌کنند و هیچ منطق روشنی بر این فرآیند حکم فرما نیست. تحولات شگرف جهان در آستانه قرن بیست و یکم این مفهوم را تداعی می‌کند که روش‌های دیرین جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فضای کسب و کار در دنیای پرتلاطم امروز کارایی چندانی نخواهد داشت. در دنیای امروز موسسه‌ها و واحدهای تجاری دریافته‌اند که شرط اساسی حیات و بقای آن‌ها، توجه به عوامل تأثیرگذار بر بازار و ایجاد بازارهای جدید است. برای آنکه با گامی مطمئن وارد هزاره سوم شویم، دولت‌ها ناچار خواهند بود الگوی ذهنی خود از جهان را تغییر دهند و آن را در شکل و قالبی تازه طراحی نمایند. در صورتی که کشورها هیچ کاری انجام ندهند و به صورت ایستا قرار گیرند و صرفاً به صورت نمادی برخی از برنامه‌ها را تغییر دهند، چیزی تغییر نخواهد کرد و در زمره کشورهای دارای عدم توسعه یافتگی خواهند ماند. در این حالت، کشورها و اقتصاد آنها نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهند. از جنبه اهمیت کاربردی با توجه به اجتناب ناپذیر بودن فعالیت در فضای معادلات تأمین مالی بین‌المللی از یک طرف و ضرورت داشتن برنامه‌ریزی برای جذب حداکثری سرمایه‌گذاری‌های خارجی به دلیل شدت تغییرات ایجاد می‌کند که دولت‌ها و کشورها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کنار نگاه عمیق به فضای کسب و کار به دنبال مدل‌های جدیدی باشند زیرا مدل‌های قدیمی دیگر کارگشا نبوده و با توجه به تغییرات روزافزون روابط بین‌الملل و تغییر در خواسته‌های بازار

دارای نواقصی هستند؛ از این منظر می‌بایست که دولت‌ها و کشورها برای فائق آمدن بر این نقیصه به دنبال مدل‌هایی باشند که هم بتواند دربردارنده مؤلفه‌ها و هم دربردارنده ویژگی‌ها، فرآیند یا متغیرها و هم لحاظ‌کننده مؤلفه‌ها یا شرایط خاص جذب سرمایه‌گذاری خارجی باشند. از این منظر به نظر می‌رسد که با انجام این پژوهش می‌توانیم بر این نقیصه فائق آییم. لذا نتایج پژوهش حاضر می‌تواند برای سیاست‌گذاران در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری، در محافل آکادمیک در راستای ایجاد و ذخیره دانش و برای شرکت‌های فعال در حوزه کسب و کار مورد استفاده قرار گیرد.

از دلایل ذیل نیز می‌توان به عنوان دلایل کاربردی ضرورت انجام این پژوهش نام برد:

۱. رفع خلاء تحقیقاتی در حوزه تحقیق و ایجاد مبنایی برای پژوهش‌های آتی و ایجاد مستندات علمی و پژوهشی و توزیع دانش در حوزه موضوعی تحقیق.
۲. تبیین جایگاه سرمایه‌گذاران خارجی در مطالعات علمی و ادبیات صنعت تجارت و سرمایه‌گذاری.
۳. ارائه الگوی علمی مدیریت جذب سرمایه‌های خارجی در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی.
۴. تبیین جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در فضای توسعه کسب و کار ایران.

۵. پیشنهاد تحقیق

ایجاد محیط اقتصادی مناسب و سازماندهی سازوکار مطلوب برای تشویق و جذب سرمایه‌گذاری خارجی به یکی از چالش‌های سیاست‌گذاری اقتصادی در کشورهای صنعتی، در حال گذار و در حال توسعه تبدیل شده است. از ابتدای دهه ۱۹۸۰، اصلاحات اقتصادی در بیش از ۸۵ کشور صورت گرفته که عموماً بر کاهش تصدی‌گری دولت و ارتقای نقش

بخش خصوصی داخلی و خارجی تأکید دارند. در این رابطه دولت‌ها چارچوب سیاست‌گذاری مشخصی را برای جلب سرمایه خارجی تدوین کرده‌اند که شامل وضع قوانین جهت شفاف سازی جایگاه سرمایه خارجی، طراحی و ارائه مشوق‌هایی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی و ایجاد سازوکارهایی جهت تعمیق پیوند آنان با اقتصادهای محلی می‌باشد. به منظور پیشبرد و پیاده‌سازی سیاست‌های یاد شده از یکسو و حضور فعال در رقابت روزافزون برای جذب سرمایه‌های خارجی از سوی دیگر، تدریجاً دولت‌ها رویکرد سازمان یافته‌تری به مقوله تشویق و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را در پیش گرفته‌اند. اگر در دوره اول اصلاحات اقتصادی، چارچوب سیاست‌گذاری‌ها عمدتاً بر گشایش و آزادسازی فضای اقتصادی و رفع محدودیت‌ها و موانع بر سر راه ورود و فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی تأکید داشت، نسل بعدی سیاست‌گذاری‌ها، بر معرفی فرصت‌های موجود در یک کشور و بازاریابی فعال برای جلب سرمایه‌گذاران متمرکز بوده است. در نسل سوم نیز از تأکید بر کمیت سرمایه‌گذاری خارجی کاسته شده و بیشتر به کیفیت سرمایه‌های جذب شده، آنها که به ایجاد ارزش افزوده بالاتر و ارتقاء توان رقابتی اقتصادی مساعدت می‌کنند، معطوف شده است. در گذار از نسل اول سیاست‌گذاری‌ها به نسل دوم یکی از ویژگی‌های مهم، تقویت سازمان‌های تشویق سرمایه‌گذاری به ویژه در کشورهای در حال گذار و اقتصادهای متکی بر جایگزینی واردات بوده است. در این رابطه وظایف سازمان‌های تشویق به تدریج تخصصی‌تر و پیچیده‌تر شده، بازاریابی و خدمات سرمایه‌گذاری نیز هدفمندتر توسط این دفاتر بخشی انجام می‌پذیرد و سازمان‌های تشویق رویکرد انفعالی در زمینه تعمیق پیوندهای سرمایه خارجی با اقتصادهای محلی را با رویکرد فعال جایگزین کرده‌اند.

جدول ۱. پیشینه تحقیق

ردیف	نام محققان	سال	عنوان پژوهش	دستاورد
۱	سونگ کاوو و همکاران	۲۰۲۰	تأثیر عدم قطعیت در چگونگی تصمیم‌گیری‌های ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	براساس دیدگاه اقتصاد هزینه معامله (TCE)، که بین عدم قطعیت داخلی (رفتاری) و عدم قطعیت بیرونی (محیطی) تمایز قایل می‌شود، شرکت‌ها تمایل دارند که شرکت‌های خارجی را به عنوان شرکت‌های تابعه خود را برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک با عنایت به عدم قطعیت‌های داخلی و کاهش عدم قطعیت‌های خارجی، در خارج از کشور مادر و ثبت شده برگزینند.
۲	وی لی و همکاران	۲۰۲۰	تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و عدم تعادل جهانی	یافته‌ها نشان می‌دهد که کاهش تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حدود نصف افزایش عدم تعادل تجارت جهانی و یک چهارم افزایش در عدم تعادل در آسیای میانه در طول این دوره است.
۳	امیرحسین مزینی و نیلوفر مرادحاصل	۱۳۸۷	بازشناسی عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری خارجی	نظام مالیاتی، وضعیت مبادلات (درآمد) ارزی، سهم صادرات تکنولوژیک، وضعیت بازار مالی کشور، وضعیت پس‌انداز سرمایه‌گذاری و سهم یارانه‌ها بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مؤثر باشند.

ردیف	نام محققان	سال	عنوان پژوهش	دستاورد
۴	واقف بهروزی و همکاران	۱۳۹۴	"موانع و محدودیت‌های داخلی سرمایه‌گذاران خارجی (مطالعه میدانی ۳۰۰ طرح سرمایه‌گذاری خارجی تحت پوشش قانون)"	عملکرد نامناسب نهادهای دولتی (نظیر بوروکراسی گسترده، رفتارهای تبعیض آمیز، برخوردهای سلیقه‌ای، بی‌ثباتی قوانین، عدم هماهنگی نهادها در اجرای سیاست‌ها، عملکرد نهادهای انتفاعی دولتی) می‌تواند موجب افزایش ناامنی در سرمایه‌گذاری و افزایش هزینه‌های جانبی تولید شود.
۵	ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران	۱۳۹۴	اثرات بهبود فضای کسب و کار بر صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی کشورهای منتخب گروه G77	نتایج این مطالعه نشان می‌دهد انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات با یک سال وقفه تأثیر مثبت و معناداری بر انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات جاری دارند؛ همچنین هر چقدر وضعیت فضای کسب و کار مطلوب باشد ارزش صادرات و انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در افزایش خواهد یافت.
۶	حسن دلیری	۱۳۹۵	اثر متقابل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری داخلی (مطالعه تطبیقی ایران و ۱۳۶ کشور دنیا)	اثری که شوک سرمایه‌گذاری داخلی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد، از لحاظ اندازه بسیار بزرگتر از شوک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر سرمایه داخلی است. برنامه ریزان اقتصادی باید در مورد ارتباط متقابل بین سرمایه‌گذاری

ردیف	نام محققان	سال	عنوان پژوهش	دستاورد
				<p>خارجی جذب شده و سرمایه داخلی برنامه ریزی‌هایی انجام دهند تا کشور قادر باشد از مزایای سرریز سرمایه‌گذاران خارجی به عنوان یک فرصت برای تقویت سرمایه داخلی و ایجاد ارتباط درون رانی و هم افزایی بین این دو سرمایه بهره‌بردار.</p>
۷	علی سلیم و همکاران	۱۳۹۳	انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران (مطالعه میدانی شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در ایران)	<p>دولت می‌تواند با اجرای سیاست‌های مناسب (مانند طراحی مشوق‌های مناسب) امکان بهره‌مندی از سایر مزایای FDI مانند صادرات، اشتغال زائی و سرریز تکنولوژی را فراهم کند.</p>
۸	جلالی و همکاران	۱۳۹۷	اثر ریسک سیاسی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران	<p>در کنار عوامل اقتصادی مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ریسک سیاسی تأثیر قابل توجهی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. اهمیت این متغیر بیشتر از آن جهت است که دولت‌ها می‌توانند با کمترین هزینه فیزیکی و با بهبود ساختارها و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و فقط از طریق ارتقا نهادها و سازمان‌ها این متغیر را بهبود بخشیده و به اهداف توسعه‌ای خود دست یابند.</p>
۹	زاهدی و همکاران	۱۳۹۴	تدوین راهبرد جذب سرمایه‌گذاری مستقیم	<p>تضمین برگشت سود و اصل سرمایه و جلوگیری از مصادره و ملی کردن آن،</p>

ردیف	نام محققان	سال	عنوان پژوهش	دستاورد
			خارجی در بستر تجارت جهانی	اعطای معافیت‌های گمرکی، بیمه و قوانین بیمه، سیاست پولی و مالی دولت، سیاست بازرگانی و سیاست خصوصی سازی، عوامل سیاسی، ساختار تأمین مالی، مشوق‌های مالیات بر درآمد، ایجاد مناطق آزاد برای سرمایه‌گذاری، نیروی کار ماهر و منعطف، فساد اقتصادی، عوامل جغرافیایی، دارای اهمیت از بیشترین تا کم ترین رتبه بندی شده‌اند.
۱۰	معمارزاده و امینی	۱۳۹۱	شناسایی و اولویت بندی موانع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران	قوانین و مقررات دست و پاگیر گمرکی، بازرگانی و بوروکراسی سیستم بانکی، وجود انواع نا امنیتی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، انواع مصادره‌ها و قوانین قضایی نامعین و غیر شفاف و قوانین مالیاتی از جمله مسائلی است که باعث عدم تمایل سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در ایران میشود.
۱۱	فرزین و همکاران	۱۳۹۱	بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی: تلفیق روشهای سیستم	جذب سرمایه کافی به منظور تأمین منابع مالی طرح‌های اقتصادی از جمله مهم ترین دغدغه‌های تصمیم‌گیرندگان اقتصادی در هر جامعه است. با گسترش مباحث مرتبط با جهانی شدن و ارتباط متقابل کشورها و عدم تکافوی منابع داخلی برای

ردیف	نام محققان	سال	عنوان پژوهش	دستاورد
			دینامیک و اقتصادسنجی	سرمایه‌گذاری، کشورها ناگزیر به جذب سرمایه‌های خارجی و رقابت در جذب آن هستند. نتایج این پژوهش مؤید اثر مثبت و معنادار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی می‌باشد.
۱۲	طیبی و همکاران	۱۳۹۲	اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه بازبودن تجاری بر سرمایه‌گذاری داخلی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی ۱۰ کشور در حال توسعه آسیایی)	نتایج نشان دهنده آن است که سرمایه‌گذاری داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درجه باز بودن تجاری و سرمایه انسانی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است، اما تورم و توسعه مالی اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی داشته‌اند.
۱۳	محمد رضا دودانگی	۱۳۹۴	عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران	بررسی‌ها نشان می‌دهد که نوسانات قیمت و درآمد نفت خام، ضمانت‌ها و قراردادهای بین‌المللی، نوسانات مؤثر نرخ ارز و نرخ تورم بالا باعث افزایش میل به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نیل به رشد اقتصادی باثبات و مثبت در ایران شده است و علیرغم تمایلات مثبت، میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به میزان کافی نبوده است.
۱۴	رئوفی و نیکو	۱۳۹۰	عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری	نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی در ۲۷ کشور منتخب تأثیر

ردیف	نام محققان	سال	عنوان پژوهش	دستاورد
			مستقیم خارجی در ۲۷ کشور منتخب (پیشرفته و در حال توسعه) از جمله ایران	مثبت و معناداری بر ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد که ضریب آن مثبت و از نظر آماری معنا دار است. به عبارتی بزرگ بودن اقتصاد کشورها، که منجر به بزرگتر شدن تولید ناخالص داخلی می‌شود تأثیر مثبتی بر FDI دارد. نرخ ارز تأثیر منفی و معناداری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. افزایش نرخ ارز و یا به عبارت دیگر تضعیف ارزش پول ملی کشورها سبب کاهش FDI می‌شود.
۱۵	مشیری و کیان پور	۱۳۹۱	عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یک مطالعه بین کشوری (۱۹۸۰-۲۰۰۷)	اثر درجه‌ی باز بودن، نرخ بازگشت سرمایه، زیر ساخت‌ها، سرمایه‌ی انسانی و حجم سرمایه‌گذاری در دوره‌ی قبل همگی دارای اثر مثبت و معنی داری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند، اما متغیرهای هزینه‌های دولت، فساد و نرخ تورم تأثیر معناداری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشان نمی‌دهند.
۱۶	داوودی و شاهرادی	۱۳۸۳	بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در	نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که توجه به زیرساخت‌های قانونی، تشویق و تقویت سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی، توجه به کارایی و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در

ردیف	نام محققان	سال	عنوان پژوهش	دستاورد
			چارچوب یک الگوی تلفیقی	زیرساخت‌ها و تحقیق و توسعه، توجه به کارایی، بهره‌وری و سطح مهارت نیروهای کار و اقداماتی در جهت افزایش ثبات سیاسی کشور، شاید بتواند به جذب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور ایران منجر شود.
۱۷	دهقان شبان‌ی و آفرینش فر	۱۳۹۳	تحلیل تأثیر فضای کسب و کار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و چند کشور منتخب	نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که با بهبود ثبات سیاسی، کنترل فساد، جهانی شدن اقتصادی، شروع کسب و کار، حمایت از سرمایه‌گذار، الزام آورتر بودن قراردادهای تعطیلی کسب و کار، پرداخت مالیات و تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش می‌یابد.
۱۸	نائینی و همکاران	۱۴۰۲	تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران: رویکرد مدل جاذبه	ارتباط مثبت و معنی‌داری بین امضای معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران وجود دارد. تحریم‌های اعمال شده علیه کشورمان جریانات ورودی سرمایه‌گذاری خارجی به ایران را به طور معنی‌داری کاهش داده است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۱-۵. شکاف نظری و تحقیقاتی

۱-۱-۵. شکاف نظری

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی توسعه اقتصادی، نقش بی‌بدیلی در تقویت زیرساخت‌ها، انتقال فناوری‌های نوین، ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش رقابت‌پذیری کشورها ایفا می‌کند. در ایران، با وجود پتانسیل‌های برجسته‌ای مانند منابع طبیعی غنی (نفت، گاز و مواد معدنی)، بازار داخلی گسترده با بیش از ۸۵ میلیون نفر جمعیت، نیروی کار جوان و تحصیل‌کرده، و موقعیت ژئوپلیتیکی استراتژیک در تقاطع آسیا و خاورمیانه، موانع متعددی نظیر تحریم‌های بین‌المللی، ناپایداری سیاسی، پیچیدگی‌های بوروکراتیک، و عدم شفافیت در قوانین و مقررات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی را به چالشی جدی تبدیل کرده است. فضای کسب‌وکار، به‌عنوان بستری که تمامی تعاملات اقتصادی، نهادی و اجتماعی در آن شکل می‌گیرد، نقشی تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی دارد. با این حال، مسائل ساختاری و سیستمی در این فضا، از جمله رتبه پایین ایران در شاخص سهولت انجام کسب‌وکار (رتبه ۱۲۷ در سال ۲۰۲۰، بانک جهانی) و پیچیدگی‌های قانونی، مانع از تحقق کامل پتانسیل‌های کشور شده‌اند. رویکرد مسأله‌محور به فضای کسب‌وکار، با تمرکز بر شناسایی، تحلیل و ارائه راهکار برای مشکلات کلیدی، می‌تواند به‌عنوان چارچوبی نوآورانه برای طراحی مدل‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی عمل کند. این رویکرد با بررسی نظام‌مند موانع و فرصت‌ها، امکان تدوین استراتژی‌هایی هدفمند و متناسب با شرایط محلی را فراهم می‌کند. پژوهش حاضر با هدف ارائه مدلی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، از این رویکرد

استفاده می‌کند تا ضمن شناسایی مسائل اصلی فضای کسب‌وکار، راهکارهایی عملی و یکپارچه ارائه دهد. این بخش از مقاله به بررسی جامع ادبیات موجود، مرور مطالعات اخیر، شناسایی خلأهای پژوهشی و تبیین جایگاه این مطالعه در پر کردن این خلأها می‌پردازد. هدف این بررسی، نه تنها ارائه دیدگاهی جامع از تحقیقات پیشین، بلکه مشخص کردن مسیر نوآورانه‌ای است که پژوهش حاضر در آن گام برمی‌دارد. طی سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی به بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نقش فضای کسب‌وکار پرداخته‌اند. این مطالعات، اگرچه به جنبه‌های مختلفی توجه کرده‌اند، اما کمتر به ارائه مدل‌های مسأله محور با تمرکز بر فضای کسب و کار در کشورهای در حال توسعه مانند ایران پرداخته‌اند. در ادامه در راستای شناسایی شکاف نظری، مطالعات کلیدی مرتبط با موضوع، که طی بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ منتشر شده‌اند، جهت شفاف‌تر شدن شکاف نظری به صورت جامع مرور شده‌اند:

نقش نهادها و محیط قانونی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی :

مطالعه‌ای توسط سبیر و همکاران (۲۰۲۱) در مجله "International Business Review" با عنوان "Institutions and FDI Evidence from Developing Countries" نشان داد که کیفیت نهادها، از جمله شفافیت قوانین، کنترل فساد و سهولت انجام کسب‌وکار، تأثیر قابل توجهی بر جریان‌های FDI در کشورهای در حال توسعه دارد. این پژوهش با استفاده از داده‌های ۵۰ کشور در حال توسعه طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۸، نشان داد که بهبود شاخص‌های نهادی می‌تواند تا ۳۰ درصد جریان سرمایه‌گذاری خارجی را افزایش دهد.

اگرچه این مطالعه مدل خاصی برای جذب FDI ارائه نکرد، اما بر ضرورت شناسایی مسائل نهادی مانند بوروکراسی و فساد به‌عنوان پیش‌نیاز بهبود فضای کسب‌وکار تأکید کرد. این یافته برای ایران، که با چالش‌های نهادی مانند رتبه ۲۵ از ۱۰۰ در شاخص ادراک فساد (Transparency International, 2022) مواجه است، بسیار مرتبط است.

تأثیر برند ملی و تصویر کشور بر جذب سرمایه‌گذاری :

پژوهشی توسط پاپادوپولوس و همکاران (۲۰۲۲) در مجله "Place Branding and Public Diplomacy" با عنوان "Nation Branding and FDI Attraction: A Developing Country Perspective" به بررسی نقش برندسازی ملی در جذب FDI پرداخت. این مطالعه با تحلیل مورد قطر و امارات متحده عربی، نشان داد که بهبود تصویر کشور از طریق دیپلماسی اقتصادی و کاهش مسائل مرتبط با بی‌ثباتی سیاسی، می‌تواند جذابیت برای سرمایه‌گذاران خارجی را افزایش دهد. این پژوهش پیشنهاد کرد که کشورها باید با رویکردی مسئله‌محور، نقاط ضعف تصویر خود (مانند ریسک‌های سیاسی یا تنش‌های منطقه‌ای) (نقشه راه تعارض و اشتراک منافع) را شناسایی و برطرف کنند. در مورد ایران، که با چالش‌های تصویرسازی بین‌المللی به دلیل تحریم‌ها و تنش‌های ژئوپلیتیکی مواجه است، این مطالعه اهمیت توجه به مسائل مرتبط با برند ملی را برجسته می‌کند.

فناوری و تحلیل داده‌ها در بهبود فضای کسب‌وکار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی

مقاله‌ای توسط لی و کیم (۲۰۲۳)۱ در "Journal of Economic Development" با عنوان "Leveraging Big Data for FDI Attraction: A New Paradigm" به بررسی استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های بزرگ برای شناسایی فرصت‌ها و موانع سرمایه‌گذاری پرداخت. این مطالعه با بررسی سازمان‌های توسعه اقتصادی در کره جنوبی و سنگاپور، نشان داد که تحلیل داده‌ها می‌تواند به شناسایی مشکلات خاص فضای کسب‌وکار (مانند موانع قانونی، زیرساختی یا مالی) و طراحی استراتژی‌های هدفمند کمک کند. برای مثال، سنگاپور با استفاده از تحلیل داده‌ها، زمان ثبت شرکت را به کمتر از یک روز کاهش داد و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را ۱۵ درصد افزایش داد. این رویکرد به‌طور غیرمستقیم با مسأله‌محوری در فضای کسب‌وکار هم‌راستا است و برای ایران، که نیاز به بهبود فرآیندهای بوروکراتیک دارد، درس‌های ارزشمندی ارائه می‌دهد.

تأثیر باز بودن تجاری و ثبات سیاسی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی

مطالعه‌ای توسط نگوین و تران (۲۰۲۳)۲ در "Humanities and Social Sciences Communications" با عنوان "Trade Openness, Political Stability, and FDI in Asia-Pacific" با تحلیل داده‌های ۲۵ کشور آسیا-پاسیفیک طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۲۰، نشان داد که باز بودن فضای تجاری می‌تواند اثرات منفی بی‌ثباتی سیاسی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی را تا حدی تعدیل کند. این پژوهش پیشنهاد کرد که کشورها باید با شناسایی مسائل

-
1. Lee & Kim
 2. Nguyen & Tran

مرتبط با سیاست‌های تجاری و سیاسی، راهکارهایی برای کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری طراحی کنند. برای ایران، که با تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری مواجه است، این مطالعه بر اهمیت دیپلماسی اقتصادی و رفع موانع تجاری تأکید می‌کند، که بخشی از یک رویکرد مسأله‌محور به فضای کسب‌وکار است.

توسعه پایدار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی:

پژوهشی توسط ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) در "Journal of the Knowledge Economy" با عنوان "Sustainable Development Goals and FDI Attraction" نشان داد که سیاست‌های توسعه پایدار، به‌ویژه در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش آلاینده‌گی، می‌توانند جذب سرمایه‌گذاری خارجی را به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته جذب کنند. این مطالعه با بررسی داده‌های ۴۰ کشور OECD، تأکید کرد که رفع موانع زیست‌محیطی و قانونی در فضای کسب‌وکار، پیش‌نیاز جذب سرمایه‌گذاری سبز است. برای ایران، که پتانسیل بالایی در انرژی‌های تجدیدپذیر (مانند ۱۰۰ گیگاوات ظرفیت خورشیدی) دارد، این مطالعه اهمیت شناسایی مسائل زیست‌محیطی و قانونی را به‌عنوان بخشی از فضای کسب‌وکار برجسته می‌کند.

کارآفرینی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی:

مطالعه‌ای توسط لی و چن (۲۰۲۴) در "Entrepreneurship and Regional Development" با عنوان "Entrepreneurial Ecosystems and FDI: A Synergistic Approach" نشان داد که اکوسیستم‌های کارآفرینی پویا، با حمایت از نوآوری و کاهش

-
1. Zhang et al
 2. Li & Chen

موانع ورود به بازار، می‌توانند جذب سرمایه‌گذاری خارجی را تقویت کنند. این پژوهش با تحلیل مورد ایرلند، پیشنهاد کرد که کشورها باید با رویکردی مسئله‌محور، مشکلات اکوسیستم کارآفرینی (مانند دسترسی به سرمایه یا آموزش) را برطرف کنند. این یافته برای ایران، که قصد توسعه اقتصاد دانش‌بنیان را دارد، اهمیت دارد و نشان‌دهنده ضرورت توجه به مسائل کارآفرینی در فضای کسب‌وکار است.

این مطالعات، اگرچه جنبه‌های مختلفی از جذب FDI را بررسی کرده‌اند، اما به‌طور کلی کمتر به ارائه مدل‌های جامع و مسئله‌محور با تمرکز بر فضای کسب‌وکار در بستر کشورهای در حال توسعه مانند ایران پرداخته‌اند. به‌ویژه، فقدان مدل‌هایی که به‌صورت سیستماتیک مشکلات خاص این کشورها را تحلیل و راه‌حل‌های عملی ارائه کنند، مشهود است. تحقیقات موجود در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فضای کسب‌وکار عمدتاً بر تحلیل‌های کلان، مانند شاخص انجام کسب‌وکار (Doing Business) بانک جهانی یا شاخص ادراک فساد (CPI) سازمان شفافیت بین‌الملل، تمرکز دارند. با این حال، شکاف‌های تحقیقاتی متعددی در کاربرد رویکرد مسئله‌مدارانه وجود دارد از جمله:

کمیاب مطالعات تجربی مبتنی بر رویکرد مسئله‌مدارانه

اگرچه رویکرد مسئله‌مدارانه در حوزه‌هایی مانند مدیریت عمومی و سیاست‌گذاری (Eck, 2014) به کار گرفته شده است، مطالعات تجربی محدودی آن را در تحلیل فضای کسب‌وکار و جذب FDI به کار برده‌اند. برای مثال، در ایران، تحقیقات کمی به شناسایی موانع خاص (مانند طولانی بودن فرآیند صدور مجوزها) با استفاده از این رویکرد پرداخته‌اند. این کمیاب مانع از توسعه مدل‌های عملی برای سیاست‌گذاری گردیده است.

فقدان مدل‌های یکپارچه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی

تحقیقات موجود اغلب به صورت پراکنده به عوامل جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مانند زیرساخت‌ها، قوانین یا فساد پرداخته‌اند و کمتر مدل‌های یکپارچه‌ای ارائه شده است که این عوامل را به صورت سیستماتیک تحلیل و ارائه کنند. رویکرد مسأله‌مدارانه می‌تواند با تحلیل سیستماتیک مسائل و ارائه راهکارهای هماهنگ، این شکاف را پر کند. با این حال، فقدان مدل‌های تحقیقاتی که این رویکرد را با داده‌های واقعی (آمارهای قطعی سرمایه‌گذاری خارجی مصوب و جذب شده) ادغام کنند، یک محدودیت جدی است.

ضعف در روش‌شناسی‌های تحقیقاتی

بسیاری از مطالعات حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی از روش‌های کمی، مانند تحلیل‌های رگرسیونی، استفاده می‌کنند که برای تحلیل مسائل پیچیده و چندوجهی فضای کسب و کار کافی نیستند. رویکرد مسأله‌مدارانه نیازمند روش‌های کیفی و ترکیبی، مانند تحلیل محتوای کیفی، مصاحبه‌های عمیق و مطالعات موردی است تا علل ریشه‌ای مسائل را شناسایی کند. با این حال، تحقیقات موجود کمتر از این روش‌ها بهره برده‌اند.

عدم توجه به نقش ذی‌نفعان محلی

جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند هماهنگی بین ذی‌نفعان مختلف، از جمله دولت، بخش خصوصی و جوامع محلی و ذی‌نفعان است. رویکرد مسأله‌مدارانه بر مشارکت ذی‌نفعان تأکید دارد، اما تحقیقات محدودی به نقش این گروه‌ها در طراحی مدل‌های

جذب سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته‌اند. برای مثال، در ایران، ناهماهنگی بین نهادهای دولتی و بخش خصوصی یکی از موانع کلیدی است که تحقیقات کمی به آن پرداخته‌اند.

۲-۱-۵. شکاف تحقیقاتی

محقق با بررسی کلیه مقالات چاپ شده در ایران از سال ۱۳۷۰ الی ۱۴۰۳ و نیز مفاهیم عمیق استخراجی از دو مرحله مصاحبه انجام شده دلایل ذیل را به عنوان شکاف نظری-تحقیقاتی موجود شناسایی و تلاش بر آن دارد تا قسمتی از این شکاف را با پژوهش حاضر پر نماید.

• تمرکز بر شاخص‌های عمومی به جای تحلیل مسأله محور: اغلب پژوهش‌های

پیشین بر شاخص‌های کلان اقتصادی و نهادی، مانند حکمرانی خوب، زیرساخت‌های اقتصادی و آزادی اقتصادی تمرکز داشته‌اند. اما کمتر مطالعه‌ای به تحلیل مسأله مدارانه پرداخته است که در آن، چالش‌های خاص فضای کسب و کار هر کشور به صورت دقیق شناسایی شده و متناسب با آن، مدل جذب سرمایه‌گذاری ارائه شود.

• کمبود مدل‌های بومی و تطبیق‌پذیر: بسیاری از مطالعات، مدل‌های عمومی

جذب سرمایه‌گذاری خارجی را پیشنهاد داده‌اند که عمدتاً از تجربه کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه اقتباس شده است. اما این مدل‌ها لزوماً متناسب با شرایط خاص کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای با ساختارهای نهادی متفاوت، نیستند. شکاف موجود در این زمینه، طراحی مدلی است که متناسب با چالش‌های بومی و شرایط خاص فضای کسب و کار در هر کشور باشد.

• نقش پویایی‌های فضای کسب و کار و تعامل آن با سرمایه‌گذاری خارجی:

بسیاری از پژوهش‌ها، فضای کسب و کار را به عنوان یک متغیر ثابت در نظر گرفته‌اند،

درحالی که این فضا دینامیک و متأثر از تغییرات سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی است. مدل‌های موجود کمتر به این پویایی‌ها توجه داشته‌اند و این موضوع، یکی از شکاف‌های مهم نظری است.

• **عدم بررسی روش‌های حل مسأله در بهبود فضای کسب و کار برای جذب**

سرمایه‌گذاری: پژوهش‌های موجود عمدتاً بر شناسایی موانع و محدودیت‌های فضای کسب و کار تأکید دارند، اما کمتر به راهکارهای حل مسأله پرداخته‌اند. یک شکاف نظری مهم، طراحی مدلی است که علاوه بر شناسایی مشکلات، به صورت ساختاریافته و علمی، راه‌حل‌های عملی برای بهبود محیط سرمایه‌گذاری ارائه دهد.

• **بی‌توجهی به تأثیر همزمان عوامل اقتصادی، نهادی و اجتماعی:** مدل‌های

قبلی عمدتاً بر متغیرهای اقتصادی و نهادی تمرکز کرده‌اند، اما تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و حتی روان‌شناختی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. درک این روابط چندبعدی می‌تواند به طراحی مدل‌های جامع‌تری کمک کند.

• **عدم استفاده از مدل‌های پیشرفته تحلیل داده و هوش مصنوعی:** اغلب

تحقیقات از روش‌های سنتی اقتصادسنجی برای تحلیل داده‌ها استفاده کرده‌اند. اما استفاده از مدل‌های مبتنی بر یادگیری ماشین و هوش مصنوعی می‌تواند در شناسایی الگوهای پنهان و پیش‌بینی روندهای سرمایه‌گذاری خارجی بسیار مؤثر باشد.

- **عدم توجه کافی به رویکرد مسأله‌مدارانه:** اکثر مطالعات بر شناسایی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی تمرکز کرده‌اند، اما رویکرد مسأله‌محور که به شناسایی و حل چالش‌های خاص در فضای کسب و کار پردازد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
- **فقدان مدل جامع و یکپارچه:** علی‌رغم شناسایی عوامل متعدد مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مدلی جامع که تمامی این عوامل را در قالب یک چارچوب منسجم و با رویکرد حل مسأله ارائه دهد، وجود ندارد.
- **کمبود مطالعات بومی:** بیشتر تحقیقات انجام شده در سطح بین‌المللی بوده و مطالعات کافی در زمینه ارائه مدلی متناسب با شرایط خاص کشورهای در حال توسعه صورت نگرفته است.
- **عدم توجه کافی به پویایی‌های فضای کسب و کار:** مدل‌های موجود عمدتاً ایستا هستند و تغییرات سریع در محیط کسب و کار و تأثیر آن بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی را به خوبی در نظر نمی‌گیرند.
- **کمبود تحقیقات در زمینه اثر متقابل عوامل:** اگرچه عوامل مختلف مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری شناسایی شده‌اند، اما مطالعات کافی در مورد اثرات متقابل این عوامل و نحوه تعامل آنها در یک مدل جامع صورت نگرفته است.
- **عدم توجه کافی به نقش فناوری و نوآوری:** با وجود اهمیت فزاینده فناوری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مدل‌های موجود به اندازه کافی به این عامل و نحوه ادغام آن در فضای کسب و کار نپرداخته‌اند.

- **کمبود مطالعات در زمینه استراتژی‌های اجرایی:** اکثر تحقیقات بر شناسایی عوامل تمرکز کرده‌اند، اما در زمینه ارائه استراتژی‌های عملی برای بهبود این عوامل در قالب یک مدل اجرایی، شکاف تحقیقاتی وجود دارد.

اهمیت این پژوهش

- **نوآوری در مدل‌سازی:** ارائه مدلی مسأله‌محور که به صورت یکپارچه مسائل فضای کسب و کار را تحلیل می‌کند، گامی نوآورانه در ادبیات جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که خلأ مدل‌های جامع را پر می‌کند.
 - **کاربرد عملی برای ایران:** این مطالعه با ارائه راهکارهای بومی، به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی را به صورت هدفمند برطرف کنند، که در نهایت می‌تواند به کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی منجر شود.
 - **تقویت پیوند علم و عمل:** با ترکیب تحلیل‌های علمی و ابزارهای نوین، این پژوهش پلی میان تحقیقات دانشگاهی و نیازهای عملی سیاست‌گذاری ایجاد می‌کند.
- بررسی جامع ادبیات نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات متعددی به عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته‌اند، اما خلأهایی مانند فقدان مدل‌های مسأله‌محور، کمبود توجه به شرایط محلی و عدم استفاده از رویکردهای یکپارچه و فناوری‌های نوین، همچنان باقی است. این پژوهش با ارائه مدلی نوآورانه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، که بر شناسایی و تحلیل مسائل کلیدی فضای کسب و کار متمرکز است، گامی در جهت پر کردن این خلأها برمی‌دارد. با بهره‌گیری از یافته‌های مطالعات اخیر و بومی‌سازی آن‌ها برای شرایط ایران، این مطالعه نه تنها به غنای ادبیات علمی کمک می‌کند، بلکه چارچوبی کاربردی

برای سیاست‌گذاران ارائه می‌دهد تا جریان جذب سرمایه‌گذاری خارجی را تقویت کرده و به توسعه پایدار اقتصادی کشور یاری رساند. این پژوهش با تأکید بر تعامل عوامل چندوجهی و ارائه راهکارهای عملی، مسیری جدید برای تحقیقات آینده و سیاست‌گذاری در این حوزه باز می‌کند. این شکاف‌های نظری نشان می‌دهند که ارائه یک مدل جذب سرمایه‌گذاری خارجی با رویکرد مسأله‌مدارانه فضای کسب‌وکار نیازمند نگرشی جامع‌تر، تحلیل‌های بومی‌سازی‌شده و استفاده از روش‌های نوین حل مسأله و تحلیل داده است. پر کردن این شکاف‌های تحقیقاتی می‌تواند به ارائه مدلی جامع‌تر و کاربردی‌تر برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با رویکرد مسأله‌مدارانه در فضای کسب و کار کمک کند.

بنابراین نیاز به انجام پژوهشی که دربردارنده غالب عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به صورت جامع و کل‌نگر بوده و مؤلفه‌های مختلف آن را تبیین نماید ضروری است. لذا این مقاله به طور کلی به دنبال نگاه زمینه و داده بنیاد به مؤلفه‌های تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی است تا ضمن تبیین عوامل به سؤالات ذیل نیز پاسخ دهد:

۱. مقوله‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی کدامند؟
۲. الگوی پژوهشی مؤلفه‌های مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی براساس رویکرد گرنرد تنوری چیست؟

۶. روش تحقیق

پارادایم تحقیق برای محقق تعریف می‌کند که به دنبال چه چیزی است و در درون و برون محدوده‌های بررسی مشروع آن پارادایم چه چیزی رخ می‌دهد. تحقیق حاضر پارادایم

برساخت‌گرایی - تفسیری را در مراحل تحقیق مدنظر قرار داده است. از آنجایی که این تحقیق به دنبال ساخت مفهومی از دل تفاسیر، برداشت‌ها و تجربیات مختلف مشارکت‌کنندگان است، بر هستی‌شناسی ذهن‌گرایانه استوار است. تحقیق حاضر به دلیل آن که به دنبال زایش و بسط نظریه از دل داده‌های کیفی است بر اصول مبتنی بر نظریه زمینه‌ای بنا نهاده شده است. محقق در تحقیق حاضر رویکردی مرحله‌ای و مقایسه‌ای را در کدگذاری و تحلیل داده‌ها دنبال نموده است و دقت تکنیکی و داشتن چارچوبی برای مقایسه را برای پذیرش مدل مفید می‌داند؛ لذا تحقیق حاضر بر اصول طرح سیستماتیک نظریه زمینه‌ای استوار است. جامعه این تحقیق مشتمل بر خبرگان و اساتید دانشگاه و متخصصین آشنا به حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی، کارشناسان و صاحب‌نظران هستند. فرایند نمونه‌گیری هدفمند به کار گرفته شده و جمع‌آوری اطلاعات در هر حوزه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرده است. ابتدا یک مرحله مصاحبه با متخصصین اقتصادی و سرمایه‌گذاری انجام شود تا سؤالات مصاحبه (پروتکل) و نحوه رسیدن به اشباع نظری و تحقیقاتی بدون سوگیری در مصاحبه بررسی و ارزیابی گردد. پس از یک دور اصلاح سؤالات و تدوین پروتکل نهایی مصاحبه با ۱۵ تن از مدیران ارشد نظام (از سطح وزیرالی مدیرکل دفتر سرمایه‌گذاری خارجی و معاونین و روسای ادارات مربوطه) انجام پذیرفت و اشباع نظری حاصل گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه عمیق بوده و مصاحبه نیمه ساختاریافته عمقی با اعضای نمونه انجام شده است. همچنین از اسناد متفاوتی همچون کتاب‌ها، مقالات مرتبط، پایان‌نامه‌ها و منابع اینترنتی استفاده شده است. پژوهش‌های کیفی مبتنی بر مصاحبه و کدگذاری - به‌ویژه در چارچوب نظریه داده‌بنیاد (Grounded Theory)

ارزش بالایی در کشف مفاهیم نو، فهم پدیده‌های پیچیده و تفسیر زمینه‌ای دارند، اما دارای چالش‌ها و محدودیت‌های مهمی از جمله سوگیری محقق، نبود قابلیت تعمیم، مشکلات گردآوری داده از طریق مصاحبه، پیچیدگی و ذهنی بودن فرآیند کدگذاری، اعتبارسنجی ناکافی نتایج و در نهایت حجم بودن داده‌ها و رقیق بودن تحلیل است. در این مطالعه برای برای فائق آمدن بر مشکلات نامبرده شده و اطمینان از روایی اسناد، چهار آزمون اصلی شامل «تأییدپذیری»، «باورپذیری»، «انتقال‌پذیری» و «اعتمادپذیری» (گوبا و لینکلن، ۱۹۹۴) و آزمون‌های افزایش کیفیت روش کیفی به صورت ذیل استفاده شده است:

- جستجوی فراگیر برای دستیابی به منابع حداکثری
- غربالگری مناسب و استفاده از منابع معتبر مرتبط با هدف پژوهش
- استفاده از نظر خبرگان (مدیران تخصصی و مدیران عالی سیاست‌گذار) برای غنی‌تر شدن منابع
- بازنگری در مراحل پژوهش شامل برگزاری دو دوره مصاحبه براساس نظر خبرگان برای افزایش اعتبار پژوهشی

جدول ۲. اقدامات صورت گرفته برای سنجش کیفیت تحقیق

چالش‌ها	راهکارها	هدف	اقدامات انجام شده
اعتبار سنجی ناکافی نتایج	استفاده از چهار معیار لینکلن و گوبا: باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری، و تأییدپذیری.	باورپذیری	محقق در تحقیق حاضر به طور مستمر با فضای پژوهش و افراد موضوع پژوهش درگیر بوده و زمان زیادی برای این درهم‌تیدگی با پژوهش صرف نموده است. افرادی برای شرکت در مطالعه انتخاب شدند که دارای تخصص و تجربه کافی در خصوص موضوع تحقیق بوده‌اند. جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر داده‌های کیفی توسط پژوهشگر که سوابق مشخصی در خصوص درهم‌تیدگی و تجربه زیسته با موضوع تحقیق و سنت‌های کیفی در تحقیق دارد انجام است. کاربرد چارچوب نظری اولیه به عنوان منبای بحث با خبرگان، انجام چندین مصاحبه با خبرگان در خارج از حوزه مربوطه و نظرسنجی از خبرگان پس از استخراج نتایج بهره‌گرفته شده است را می‌توان به عنوان اقدامات در نظر گرفت.
		اطمینان‌پذیری	در تحقیق حاضر در همه مراحل کار و به منظور ایجاد اطمینان‌پذیری، جزئیات پژوهش و یادداشت برداری‌ها ثبت و ضبط شد. همچنین همان‌طور که توضیح داده شد نتایج تحلیل داده‌ها به رویت مصاحبه‌شوندگان رسیده و نظرات آنها اخذ گردید.

چالش‌ها	راهکارها	هدف	اقدامات انجام شده
		تائید پذیری	در تحقیق حاضر کلیه مراحل روش شناسی تحقیق با جزئیات گزارش شده و همه مصاحبه‌ها و مراحل کدگذاری با جزئیات به دقت ثبت و ضبط شده و قابل ارائه است.
		انتقال پذیری	در تحقیق حاضر به منظور تسهیل قابلیت انتقال یافته‌ها، کلیه فرایندهای تحقیق شامل نحوه انتخاب و مشخصات شرکت کنندگان در مطالعه و نحوه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به تفصیل شرح داده شده است. بر مفاهیم مشترک در مرحله تدوین چارچوب اولیه و مصاحبه با خبرگان تأکید شده و از چارچوب استاندارد مشترک در تمامی موارد استفاده شده است.
سوگیری محقق (Researcher Bias)	استفاده از بررسی هم‌تابان، روش‌های مشارکتی یا بازبینی داده‌ها توسط چند پژوهشگر	افزایش کیفیت پژوهش	در این راستا علاوه بر پژوهشگر، استاد راهنما و یک پژوهشگر دیگر که دانشجوی مقطع دکترای همین رشته می‌باشند کاملاً بر روند کدگذاری و نهایتاً کدگذاری‌های مستخرج از مرحله انتخابی، محوری، مقوله‌یابی و... نظارت داشته و ضمن بررسی روند کدگذاری آزمون کاپای نیز توسط آنان انجام شده است.
مشکلات گردآوری داده از طریق مصاحبه	طراحی دقیق راهنمای مصاحبه، آموزش	افزایش کیفیت پژوهش	محقق در این پژوهش ابتدا یک مرحله مصاحبه با متخصصین

چالش‌ها	راهکارها	هدف	اقدامات انجام شده
	مصاحبه‌گر، و انجام مصاحبه‌های پایلوت.		اقتصادی و سرمایه‌گذاری انجام شود تا سؤالات مصاحبه (پروتکل) و نحوه رسیدن به اشباع نظری و تحقیقاتی بدون سوگیری در مصاحبه بررسی و ارزیابی گردد. پس از یک دور اصلاح سؤالات و تدوین پروتکل نهایی مصاحبه با ۱۵ تن از مدیران ارشد نظام (از سطح وزیر الی مدیرکل دفتر سرمایه‌گذاری خارجی و معاونین و روسای ادارات مربوطه) انجام پذیرفت و اشباع نظری حاصل گردید
پیچیدگی و ذهنی بودن فرآیند کدگذاری	گزارش دقیق مراحل کدگذاری، استفاده از نرم‌افزارهای کیفی مثل (MAXQDA یا NVivo)، و کدگذاری مستقل توسط چند نفر	افزایش کیفیت پژوهش	محقق در این پژوهش علاوه بر ارسال مرحله به مرحله کدگذاری‌ها به دو نفر صاحب نظر دیگر، با استفاده از نرم افزار Max QDA، از نظرات دیگر متخصصین حوزه سرمایه‌گذاری نیز برای کدگذاری‌های محوری و مقوله سازی استفاده نمود.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در پژوهش‌های کیفی، پایایی به معنای قابلیت اعتماد داده‌ها است. برای سنجش پایایی، روش‌هایی مانند ضریب پایایی هولستی^۱، ضریب پایایی (آلفای) کریپندورف^۲، کاپای

1. Holsti's coefficient of reliability
2. Krippendorf coefficient

کوهن^۱ و ضریب پایایی پای اسکات^۲ معرفی شده است (نئوندورف^۳، ۲۰۱۷) که با تکرار کدگذاری و محاسبه تفاوت‌های بین کدگذاری‌ها به دست می‌آید. در این روش‌ها، کدگذاری‌ها را می‌توان به طور معمول به دو صورت تکرار کرد، یا شناسه‌گذاری توسط خود پژوهشگر و با فاصله زمانی معنادار یا توسط فرد دیگری که متخصص در موضوع پژوهش است انجام شده و پس از آن، نتایج این دو کدگذاری، مقایسه می‌شود (کرپندورف، ۱۳۹۵؛ کلارک و کرسول، ۱۳۹۰؛ هولستی، ۱۳۹۵). در این پژوهش برای تعیین پایایی کدگذاری، از ضریب توافق درون موضوعی (آماره کاپا) استفاده شد.

ضریب پایایی کاپا

ضریب پایایی کاپای کوهن^۴، یک معیار ارزیابی اعتبار تحلیل کیفی است. این ضریب برای محاسبه توافق بین دو کدگذار در تحلیل کیفی استفاده می‌شود. جیکوب کوهن (۱۹۶۰)، ضریب توافق درصدی را به دلیل برخی کاستی‌های آن مورد انتقاد قرار دارد. بنابراین برای توضیح این احتمال که ارزیاب‌ها واقعاً حداقل برخی از کدها را به دلیل عدم قطعیت حدس می‌زنند، شاخص پایایی کاپای کوهن را معرفی کرد. از طریق این ضریب می‌توان میزان توافق دو اندازه‌گیری توسط دو نفر یا دو ابزار یا در دو مقطع زمانی را ارزیابی کرد. برای انجام محاسبه پایایی کدگذاری‌ها از روش ضریب توافق درون موضوعی کاپا، بعد از گذشت مدت زمان مدیدی از کدگذاری اول (شش ماه)، کدگذاری دوم توسط همان کدگذار، انجام و ضریب توافق (آماره کاپا) محاسبه شد. ضریب کاپا عددی بین صفر و یک است و می‌تواند به صورت درصد نیز بیان شود (گویت^۵، ۲۰۲۰).

-
1. Cohen's kappa
 2. Scott's pi
 3. Neuendorf
 4. Cohen's Kappa Index
 5. Gwet

و نئوندورف، ۲۰۱۷). جدول شماره ۳ مقدار ضریب کاپا در این پژوهش را نشان می‌دهد که توسط نرم افزار مکس کیو دی. ای. محاسبه شده است و برابر ۰/۷۰۶ است که بیانگر توافق مطلوب بین دو فرآیند کدگذاری را نشان می‌دهد.

فرمول محاسبه ضریب پایایی کاپای کوهن

$$\text{kappa} = \text{Pi} = (\text{PAo} - \text{PAE}) / (1 - \text{PAE})$$

در فرمول PAo بیانگر توافق بین دو کدگذار و PAE بیانگر درصد توافق مورد انتظار است. ضریب کاپای کوهن و Pi اسکات در نحوه محاسبه توافق مورد انتظار با هم متفاوت هستند. در حالی که در فرمول pi اسکات نسبت‌های مشاهده شده در هر یک از ارزش‌های یک طبقه به توان دو می‌رسد، در فرمول کاپا، نسبت یک ارزش خاص در یک طبقه که به وسیله کدگذار استفاده شده است، در نسبت استفاده از همان ارزش به وسیله کدگذار دوم ضرب می‌شود. این شاخص مقدار بین صفر و یک دارد. صفر بیانگر عدم توافق کامل بین دو کدگذار و یک بیانگر بالاترین میزان توافق دو کدگذار است. مقدار بالای ۰/۹ ضریب پایایی کاپای کوهن، بیانگر بالاترین میزان توافق میان کدگذاران است. مقدار مناسب ضریب پایایی کاپای کوهن، بالای ۰/۶ است.

جدول ۳. ضریب پایایی کاپا

خطای استاندارد	ارزش	ضریب کاپا
۰/۰۱۵	۰/۷۰۶	
	۹۱	تعداد کد

با توجه به جدول شماره ۳، مقدار ضریب پایایی کاپا برابر $0/706$ به دست آمده است، لذا این تحلیل کیفی حدود 63% اعتبار دارد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از اصول مرتبط با نظریه زمینه‌ای همچون تحلیل مقایسه‌ای مداوم، کدگذاری و ایجاد مفاهیم و مقوله‌ها استفاده شده است که در آن داده‌ها مرحله به مرحله و به طور مداوم گردآوری و ثبت می‌شوند و به طور غیرخطی پا به پای آن‌ها تحلیل مداوم و مقایسه‌ای داده‌ها صورت می‌پذیرد (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۱۴۸). کدگذاری داده‌ها نیز در سه مرحله زیر انجام گرفت:

- کدگذاری باز
- کدگذاری محوری
- کدگذاری انتخابی (گزینشی)

۷. جمع بندی و نتیجه گیری

۷-۱. کدبندی اولیه یا سطح اول

از تحلیل جملات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان، کدهای اولیه استخراج شده و در مرحله بعد، کدهای مشترک و مورد تأکید کلیه مصاحبه‌شوندگان به انضمام کدهای با اهمیت از دید محقق به عنوان کدهای نهایی به همراه منبع آنها مشخص شدند. سطح اول با توجه به تحلیل گفتمان مصاحبه‌ها شامل ۹۱ کد اولیه بوده است.

۲-۷. کد بندی سطح دوم یا متمرکز

در این مرحله از کد بندی ضمن مراجعه به شرح واژه‌های هر کد و مقایسه کردن کدها با همدیگر کدهای متداخل و مشابه شناسایی و با تعیین و مرتب کردن کدها یا مفاهیم، کدهای مشابه و مشترک در قالب یک مقوله واحد قرار داده شد. بنابراین، انبوه داده‌ها (کدها-مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش یافت.

جدول ۴. نتایج کدگذاری متمرکز یا ثانویه

مفاهیم	مقوله اصلی		
نگاه کارکردی به سرمایه‌گذاری خارجی	نگاه کارکردگرایانه		
افزایش بودجه عملیاتی			
مدیریت منافع			
عدم هوشمندی سیستم جذب سرمایه‌گذاری	مشوق‌های کارکردگرایانه		
مشوق‌های سرمایه‌گذاری جهانی			
منطقه ویژه سرمایه‌گذاری خارجی	نگاه آماری و وظیفه‌گرایانه		
نگاه آماری و وظیفه‌ای به سرمایه‌گذاری خارجی			
مشوق‌های غیر کارکردی			
بازاریابی غیر هدفمند	مشوق‌های غیر کارکردی		
ناکارآمدی ابزارهای موجود	ابزار ناکارآمد		
تعریف درآمد اختصاصی			
عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های قانونی موجود	نگاه واحد مدیران		
نگاه واحد مدیران عالی به سرمایه‌گذاری			
گفتمان پذیرش سرمایه‌گذاری			
نگاه یکسان به سرمایه‌گذار ایرانی و خارجی			
مفهوم سرمایه‌گذاری در قوانین بالادستی و توسعه‌ای			
حمایت عملی و واقعی از سرمایه‌گذار	سرمایه‌گذاری توسعه محور		
	حمایت واقعی از سرمایه‌گذار		

مفاهیم	مقوله اصلی	
نقشه راه سرمایه‌گذاری	نقشه راه	نقشه راه اقتصادی، صنعتی
سرمایه‌گذاری مبتنی بر بهره‌وری	نگاه بهره‌ورانه	
بازوهای بین‌المللی جذب سرمایه‌گذاری	نقشه راه	
قابلیت اتکا به مطالعات اقتصادی اولیه پروژه	مطالعات اقتصادی	
قدرت نهادی و ساختاری	قدرت نهادی و ساختاری	قدرت نهادی و ساختاری
تغییر مأموریت و چشم‌انداز با اساسنامه و اهداف اولیه	ساختاری	
موازی‌کاری دستگاه‌های اجرایی	موازی‌کاری دستگاه‌ها	موازی‌کاری و عدم هماهنگی
عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی	عدم هماهنگی دستگاه‌ها	
زنجیره ارزش سرمایه‌گذاری	زنجیره ارزش	زنجیره ارزش
عدم شناخت صحیح دنیا، کشورها و سرمایه‌گذاران		
معافیت‌های قانونی		
ایجاد تصویر سرمایه‌گذاری مبتنی بر واقعیت	تصویر سرمایه‌گذاری کشوری	
هدایت‌گری سرمایه‌گذاری	هدایت‌گری	هدایت‌گری سرمایه‌گذاری
رشد ۸ درصدی اقتصادی	رشد اقتصادی	
سرمایه‌گذاری نوآورانه و توسعه محور	بروزرسانی اساسنامه	بروزرسانی وظایف اساسنامه‌ای
تقویت زیرساخت‌های کشوری	تقویت زیرساخت‌ها	تقویت زیرساخت‌ها
سرمایه‌گذاری مبتنی بر اولویت‌های ملی	اولویت‌های صنعتی	
سند مزیت‌های رقابتی و اولویت‌های صنعتی منطقه‌ای/استانی	مزیت‌های استانی و منطقه‌ای	مزیت‌های رقابتی
وحدت رویه و فرماندهی	وحدت رویه و فرماندهی	
عدم تناسب کلیه قوانین حوزه سرمایه‌گذاری	تناسب قوانین	
سند صنعتی واحد کشور	سند صنعتی کشور	سند صنعتی کشور
مشارکت عمومی-خصوصی	مشارکت عمومی-خصوصی	
تعریف رابطه برد-برد در سرمایه‌گذاری	رابطه برد-برد	نقشه راه جذب سرمایه‌گذاری

مفاهیم	مقوله اصلی	
تعریف نقشه راه جذب سرمایه‌گذاری اختصاصی هر سرمایه‌گذار	نقشه راه سرمایه‌گذاری	
مسیر سبز سرمایه‌گذاری	مسیر سبز	
استراتژی‌های جذب سرمایه‌گذاری	استراتژی‌های جذب	استراتژی‌های جذب
دیپلماسی اقتصادی فعالانه	دیپلماسی فعالانه	
راهبردهای توسعه اقتصادی	استراتژی‌های جذب	
عوامل و تحریم‌های بین‌المللی	عوامل و تحریم‌های بین‌المللی	
استفاده از تجارب جهانی و بین‌المللی	تجارب جهانی	
افزایش تعاملات بین‌المللی	افزایش تعاملات	
بهبود رتبه اعتباری کشور	بهبود رتبه اعتباری	
عدم ثبات قوانین و مقررات	عدم ثبات قوانین	عدم ثبات قوانین و مقررات
تعارض در قوانین موجود	تعارض در قوانین	
سیاست‌های ارزی کشور	سیاست‌های ارزی	
ریسک‌های سرمایه‌گذاری	ریسک‌های سرمایه‌گذاری	
نوسانات و چند نرخی بودن ارز	نوسانات ارزی	
نقل و انتقالات مالی و بانکی	نقل و انتقالات مالی	
تسعیر ارز		
امنیت سرمایه‌گذاری	امنیت سرمایه‌گذاری	امنیت سرمایه‌گذاری
امنیت انرژی		
عدم اجرای تعهدات دولتی و ملی		
سرمایه‌گذاری خاکستری		
عدم درک شاخص فساد در سطح بین‌المللی		
حقوق مربوط به مالکیت معنوی	شاخص فساد کسب و کار	
	مالکیت معنوی	
بلوغ نگاه کشوری	بلوغ نگاه کشوری	
عدم ادراک صحیح از تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی		
عدم وجود نیروی انسانی متخصص	نیروی انسانی متخصص	
تأمین مالی توسعه محور	تأمین مالی توسعه محور	
نظارت تسهیل‌گرانه و پسینی	نظارت‌های پسینی	نظارت‌های پسینی
هویت دینی		

مفاهیم	مقوله اصلی	
اصلاح فرآیندها و ساز و کارهای داخلی	ساز و کارهای داخلی	هویت سنجی
هویت سنجی سرمایه‌گذاری	هویت سنجی	
مرکزیت مقتدر	مرکزیت مقتدر	مرکزیت مقتدر
هم‌عرضی نیروهای قدرت در کشور	هم‌عرضی نیروهای قدرت	
ایجاد تصویر جذاب بین‌المللی	تصویر سرمایه‌گذاری کشوری	
آفت‌های تفکر و نظام اداری سنتی/قدیمی	بروکراسی اداری	
بازار بزرگ و جذاب منطقه‌ای	بازار بزرگ و جذاب منطقه‌ای	بازار بزرگ و جذاب منطقه‌ای
عدم استفاده صحیح از ظرفیت تقاضا نامه‌های بین‌کشوری و منطقه‌ای		
تعریف نقشه راه تعارض منافع و اشتراک منافع	نقشه راه تعارض منافع و اشتراک منافع	منطقه‌ای
انرژی، منابع و مواد اولیه ارزان و با کیفیت	مواد اولیه ارزان	نیروی انسانی متخصص
نیروی کار ارزان و مستعد	نیروی کار نخبه	
موقعیت ژئوپولیتیک کشور	موقعیت ژئوپولیتیک کشور	موقعیت ژئوپولیتیک کشور
ایفای نقش در کریدورها و شاهراه‌های ارتباطی جهان	کریدورهای بین‌المللی	
سرمایه‌گذاری صادرات محور	سرمایه‌گذاری صادرات محور	
بهبود فضای کسب و کار	بهبود فضای کسب و کار	
تسهیل و تقویت فضای کسب و کار		
تسریع فرآیندهای اجرایی	تسریع در فرآیندهای اجرایی	
طراحی نظام انگیزشی سرمایه‌گذاری	طراحی نظام انگیزشی	
نا اطمینانی‌های بازار	نا اطمینانی‌های بازار	
عدم پیش‌بینی پذیری اقتصاد	پیش‌بینی پذیری اقتصاد	
تهیه سند آمایش سرزمینی صنعتی	آمایش سرزمینی	سند طرح آمایش سرزمینی
تولید ناب کشوری	تولید ناب	
فرصت‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر اولویت‌های صنعتی	تهیه فرصت‌ها بر مبنای اولویت‌ها	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۳-۷. کدگذاری محوری

با توجه به انباشت مقوله‌ها از روش مقوله کردن چند سطحی و تشکیل خوشه مقوله‌ای برای تحلیل استفاده شده است، که نهایتاً در بلوک‌های مقوله‌ای کلی دسته‌بندی شدند. هر بلوک شامل خوشه یا خوشه‌های مقوله‌ای است که برخی خوشه‌ها تا ۲ سطح گشایش معنایی داشتند.

جدول ۵. نتایج کدگذاری محوری

مقوله	خوشه	مقوله	خوشه
بهبود فضای کسب و کار و افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی	پدیده محوری	ابزار ناکارآمد	شرایط علی
		بروکراسی اداری	
افزایش تعاملات بین‌المللی	شرایط مداخله‌گر	ثبات قوانین و مقررات	
امنیت سرمایه‌گذاری		سیاست‌های ارزی کشور	
بازار بزرگ و جذاب منطقه‌ای		قدرت نهادی و ساختاری	
تجارب جهانی و بین‌المللی		مرکزیت مقتدر	
عوامل و تحریم‌های بین‌المللی		مشوق‌های کارکردگرایانه	
مزیت‌های رقابتی		نقل و انتقالات مالی	
موازی کاری و عدم هماهنگی		نگاه کارکردگرایانه	
موقعیت ژئوپولیتیک کشور		نگاه واحد مدیران	
نااطمینانی‌های بازار		وحدت رویه و فرماندهی	
وظیفه‌گرایی		پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد	شرایط زمین‌ه‌ای
نوسانات ارزی	حقوق مربوط به مالکیت معنوی		
تأمین مالی توسعه محور	پیامدها	ریسک‌های سرمایه‌گذاری	
تصویر سرمایه‌گذاری کشوری		زنجیره ارزش	

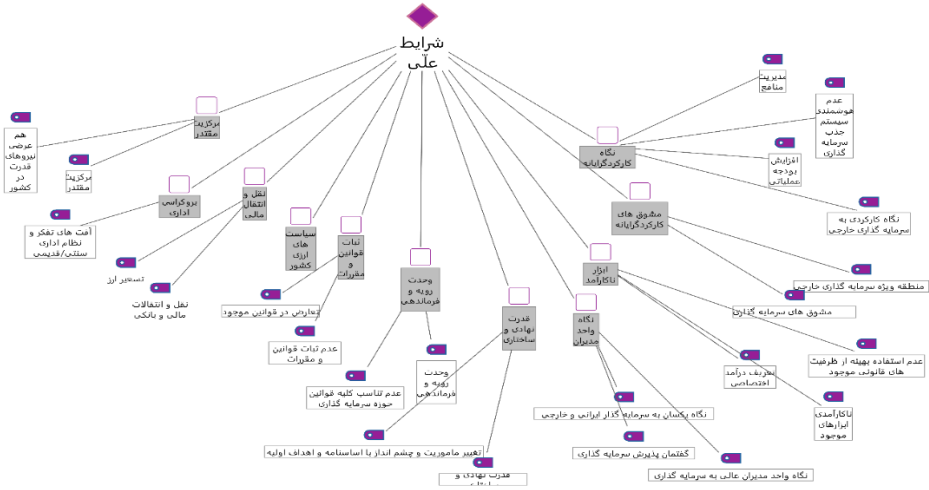
مقوله	خوشه	مقوله	خوشه
سرمایه‌گذاری صادرات محور		سرمایه‌گذاری توسعه محور	
سند صنعتی کشور		نقشه راه اقتصادی، صنعتی	
سند طرح آمایش سرزمینی		نیروی انسانی متخصص	
هویت سنجی		استراتژی‌های جذب	
حمایت واقعی از سرمایه‌گذار	راهبردها	بروزرسانی وظایف اساسنامه ای	
طراحی نظام انگیزشی سرمایه‌گذاری		بلوغ نگاه کشوری	
نظارت‌های پسینی		بهبود رتبه اعتباری کشور	
نقشه راه جذب سرمایه‌گذاری		تسریع در فرآیندهای اجرایی	
هدایت‌گری سرمایه‌گذاری		تقویت زیرساخت‌ها	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۴-۷. کدگذاری گزینشی

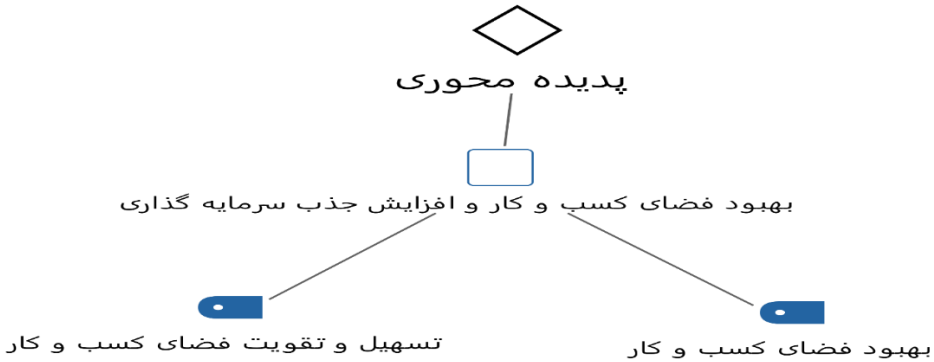
فرآیند نظریه سازی زمینه‌ای در مرحله کد بندی گزینشی تقریباً به پایان می‌رسد. در این مرحله محقق با تعداد اندکی از مقوله‌های انتزاعی به تدوین نظریه پرداخته و نیازی به کدبندی داده‌های جدید ندارد. مقوله‌های مورد استفاده به لحاظ نظری اشباع شده است و هر کدام براساس مفاهیم کد بندی شده و مراحل اول و دوم به صورت منطقی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند سپس محقق باید مقوله هسته را انتخاب کند. مقوله هسته به دو شیوه انتخاب می‌شود. در شیوه اول، محقق ممکن است یکی از مقوله‌های موجود را گزینش نماید و در شیوه دوم وی باید نسبت به تعیین یا ساخت یک مقوله جدید اقدام نماید؛

انتخاب مقوله هسته‌ای در مرحله کد بندی گزینشی مستلزم بررسی دقیق داده‌ها در دو مرحله قبل است.



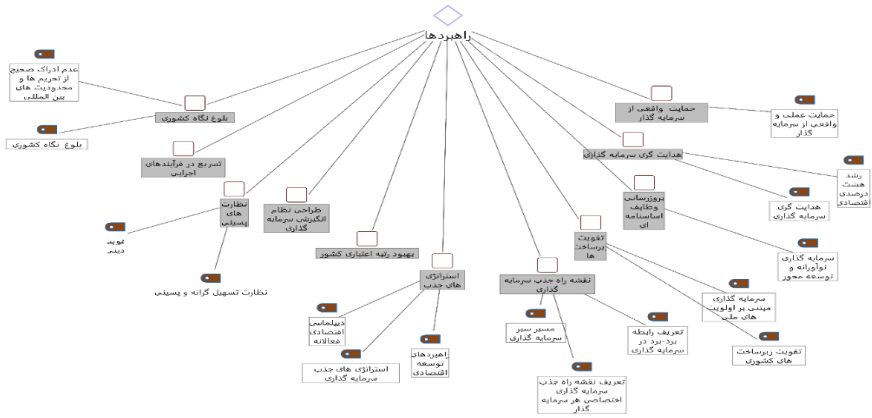
شکل ۱. زیرساخت مقوله‌ای شرایط علی

ماخذ: یافته‌های پژوهش

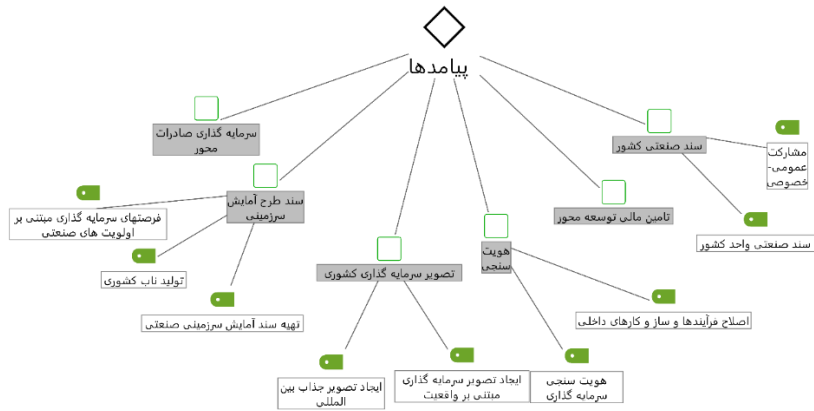


شکل ۲. زیرساخت مقوله‌ای پدیده محوری

ماخذ: یافته‌های پژوهش

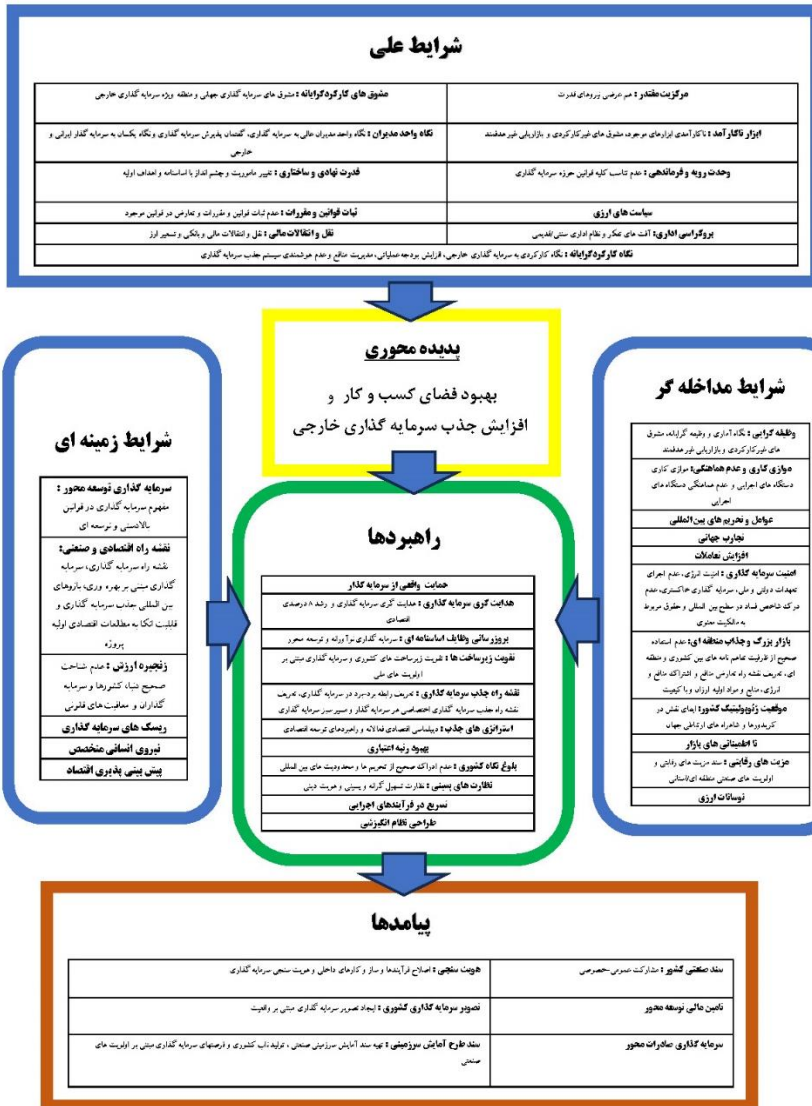


شکل ۵. زیرساخت مقوله‌ای راهبرد
 ماخذ: یافته‌های پژوهش



شکل ۶. زیرساخت مقوله‌ای پیامد
 ماخذ: یافته‌های پژوهش

- **عمل و تعامل، استراتژی، راهبرد:** استراتژی‌های جذب/بروزرسانی وظایف اساسنامه ای/بلوغ نگاه کشوری/بهبود رتبه اعتباری کشور/تسریع در فرآیندهای اجرایی/تقویت زیرساخت‌ها/حمایت واقعی از سرمایه‌گذار/طراحی نظام انگیزشی سرمایه‌گذاری/نظارت‌های پسینی/نقشه راه جذب سرمایه‌گذاری/هدایت‌گری سرمایه‌گذاری.
- **شرایط زمینه‌ای:** پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد/حقوق مربوط به مالکیت معنوی/ریسک‌های سرمایه‌گذاری/زنجیره ارزش/سرمایه‌گذاری توسعه محور/نقشه راه اقتصادی، صنعتی/نیروی انسانی متخصص.
- **شرایط علی:** ابزار ناکارآمد/بروکراسی اداری/ثبات قوانین و مقررات/سیاست‌های ارزی کشور/قدرت نهادی و ساختاری/مرکزیت مقتدر/مشوق‌های کارکردگرایانه/نقل و انتقالات مالی/نگاه کارکردگرایانه/نگاه واحد مدیران/وحدت رویه و فرماندهی.
- **شرایط مداخله‌گر:** افزایش تعاملات بین‌المللی/امنیت سرمایه‌گذاری/بازار بزرگ و جذاب منطقه ای/تجارب جهانی و بین‌المللی/عوامل و تحریم‌های بین‌المللی/مزیت‌های رقابتی/موازی‌کاری و عدم هماهنگی/موقعیت ژئوپولیتیک کشور/نااطمینانی‌های بازار/وظیفه‌گرایی/نوسانات ارزی.
- **پیامدها:** تأمین مالی توسعه محور/تصویر سرمایه‌گذاری کشوری/سرمایه‌گذاری صادرات محور/سند صنعتی کشور/سند طرح آمایش سرزمینی/هویت‌سنجی.



شکل ۸. مدل پارادایمی
ماخذ: یافته‌های پژوهش

در نظریه داده بنیاد مسأله مورد بحث از بسترها و زمینه‌های چالش‌زا شروع شده و به پیامدها و راهکارها منجر می‌گردد. مسأله اصلی پژوهش از اینجا شروع می‌شود که عدم بهبود فضای کسب و کار و شاخص‌های Doing Business به طور مستقیم بر روند و میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی مؤثر است به نحوی که با بهبود شاخص‌های فضای کسب و کار از جمله راه اندازی مشاغل، گرفتن اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران اقلیت، پرداخت مالیات، تجارت خارج از مرزها، اجرای قراردادها و حل ورشکستگی می‌توان به صورت مستقیم و بیش از حد تصور فضای جذب سرمایه‌گذاری خارجی را بهبود بخشید. بر همگان روشن است که رسیدن به رشد ۸٪ اقتصادی و حضور در جمه کشورهای توسعه یافته منطقه خاورمیانه با جذب سرمایه‌های خارجی خیلی قابل دسترسی تر است تا بدون آن؛ اما با عنایت به کلیه مقوله‌های ذکر شده در مدل پارادایمی می‌توان تمرکز سیاست‌گذاران را به بهبود و رفع معضلات و مشکلات جذب سرمایه‌گذاری خارجی منعطف نمود. در ادامه به ذکر پیشنهادات و توصیه‌هایی با عنایت به کلیه مقوله آورده شده در مدل پارادایمی می‌پردازیم:

نگاه کارکردگرایانه

نگاه کارکردگرایانه در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی به بررسی و تحلیل کارکردهای مختلف سیستم‌ها و سازمان‌ها می‌پردازد. این رویکرد به ویژه در مباحث مرتبط با افزایش بودجه عملیاتی، مدیریت منافع و هوشمندی سیستم جذب سرمایه‌گذاری اهمیت پیدا می‌کند. با اتخاذ رویکرد کارکردگرایانه، بهبود فضای کسب و کار و جذب سرمایه‌گذاری به‌عنوان یک فرآیند عملی و نتیجه‌محور در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد نیازمند هماهنگی بین بخش‌های دولتی، خصوصی و جامعه مدنی است. با اجرای سیاست‌های

شفاف، کاهش موانع اداری، ارتقای زیرساخت‌ها و حمایت از نوآوری، می‌توان فضای مناسبی برای رشد کسب و کارها و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی ایجاد کرد. در نهایت، این اقدامات منجر به رشد اقتصادی پایدار، ایجاد اشتغال و بهبود رفاه اجتماعی خواهد شد. از منظر کارکردگرایانه، بهبود فضای کسب و کار و جذب سرمایه‌گذاری نیازمند طراحی سیستم‌هایی است که ضمن مدیریت منافع سازمانی، اجزای مختلف اقتصاد سازمان (اداره، قوانین، زیرساخت، نیروی انسانی) را به گونه‌ای هماهنگ کند که کارکرد اصلی آن‌ها یعنی تسهیل تولید و توزیع ثروت به حداکثر برسد.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	توضیح
افزایش بودجه عملیاتی	برنامه‌ریزی و کنترل	تخصیص منابع برای بهبود عملیات و دستیابی به اهداف توسعه‌ای ملی و سازمانی (رشد اقتصادی).
مدیریت منافع	رهبری و هماهنگی	تعادل منافع ذی‌نفعان از طریق انگیزش و ارتباطات مؤثر ملی.
هوشمندی سیستم جذب سرمایه‌گذاری	سازماندهی	طراحی سیستم‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با استفاده از استراتژی‌های هوشمند منطبق بر کارکردگرایی و مدیریت منافع ملی.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در نگاه کارکردگرایانه، افزایش بودجه عملیاتی، مدیریت منافع و هوشمندی سیستم جذب سرمایه‌گذاری همگی بخشی از وظایف و عملکردهای مدیریت هستند که به دستیابی به اهداف سازمانی کمک می‌کنند. این دیدگاه سازمان را به عنوان سیستمی می‌بیند که با همکاری اجزای مختلف به ثبات و پیشرفت می‌رسد. موفقیت این سیاست‌ها در گرو نگرش

عمل‌گرایانه و پایش مستند نتایج است. برای مثال، کاهش زمان صدور مجوز از ۳۰ روز به ۳ روز، نه یک شعار، بلکه یک شاخص کمی برای سنجش عملکرد سیستم اداری است. در نهایت، بهبود فضای کسب و کار تنها با تلفیق اصلاحات ساختاری، شفافیت و تعامل با ذینفعان (دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی) محقق می‌شود. این فرآیند نه یک طرح کوتاه‌مدت، بلکه نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت و انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات جهانی است. نگاه کارکردگرایانه در مدیریت به سازمان‌ها کمک می‌کند تا با استفاده بهینه از منابع، مدیریت مؤثر منافع و به کارگیری استراتژی‌های هوشمند برای جذب سرمایه‌گذاری، به اهداف خود دست یابند و در یک بازار رقابتی موفق باشند. این رویکرد به تحلیل کارکردهای کلیدی کمک می‌کند و منجر به بهبود مستمر در عملکرد سازمان می‌شود.

مشوق‌های کارکردگرایانه

مشوق‌های کارکردگرایانه به سیاست‌ها و ابزارهایی اطلاق می‌شود که هدفمند، نتیجه‌محور و قابل اندازه‌گیری هستند و مستقیماً به بهبود عملکرد سیستم اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری منجر می‌شوند. این مشوق‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که نیازهای واقعی سرمایه‌گذاران و بنگاه‌ها را برطرف کرده و موانع ساختاری را کاهش دهند. مشوق‌های کارکردگرایانه، زمانی مؤثر خواهند بود که شفاف، مشروط به نتایج و قابل ارزیابی باشند. این مشوق‌ها باید سه هدف کلیدی را دنبال کنند:

۱. کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری از طریق معافیت‌ها و تضمین‌های مالی.
۲. کاهش ریسک فعالیت اقتصادی با اصلاح قوانین و ایجاد زیرساخت‌های پایدار.
۳. تقویت رقابت‌پذیری با تمرکز بر نوآوری و توسعه منابع انسانی.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف	مثال
مشوق‌های کارکردگرایانه	هدایت رفتارها به سمت اهداف اقتصادی مانند رشد و نوآوری.	سیاست‌هایی برای ترغیب فعالیت‌های اقتصادی مفید.	معافیت‌های مالیاتی جذاب برای جذب سرمایه‌گذاری.
مشوق‌های سرمایه‌گذاری جهانی	جذب سرمایه خارجی و تقویت رشد اقتصادی.	سیاست‌هایی مانند کاهش مالیات برای جذب FDI.	یارانه برای شرکت‌های فناوری محور و دانش بنیان.
مناطق ویژه اقتصادی (SEZ)	ایجاد محیط بهینه برای سرمایه‌گذاری و توسعه منطقه‌ای.	مناطق با قوانین ویژه برای جذب سرمایه‌گذاری.	منطقه ویژه اقتصادی شنژن در چین.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مشوق‌های کارکردگرایانه ابزارهای قدرتمندی هستند که برای ترغیب رفتارهای اقتصادی هم‌راستا با اهداف ملی یا منطقه‌ای طراحی شده‌اند. مشوق‌های سرمایه‌گذاری جهانی و مناطق ویژه اقتصادی نمونه‌های بارزی از این مشوق‌ها هستند که با ارائه مزایای مالی، قانونی و زیرساختی، سرمایه‌گذاری خارجی را جذب می‌کنند. این ابزارها به‌عنوان بخشی از عملکرد تشویقی بازار عمل می‌کنند و به رشد اقتصادی، ایجاد شغل و توسعه فناوری کمک می‌کنند. با این حال، طراحی و اجرای این مشوق‌ها نیازمند دقت است. همان‌طور که منابع نشان می‌دهند، عواملی مانند ثبات سیاسی، زیرساخت‌های مناسب و دسترسی به بازار در موفقیت این مشوق‌ها نقش دارند. علاوه بر این، باید به انتقادات احتمالی، مانند خطر فرار مالیاتی یا نابرابری منطقه‌ای، توجه شود تا اثربخشی این مشوق‌ها به حداکثر برسد. در نهایت، مشوق‌های کارکردگرایانه، از جمله مشوق‌های سرمایه‌گذاری

جهانی و منطقه‌های ویژه سرمایه‌گذاری خارجی، ابزارهای کلیدی برای سیاست‌گذاران هستند که می‌توانند با طراحی مناسب، به توسعه پایدار و فراگیر کمک کنند.

ابزار ناکارآمد

ابزارهای ناکارآمد (مانند فرآیندهای اداری پیچیده، قوانین مبهم، زیرساخت‌های ضعیف، یا سیستم‌های دیجیتال قدیمی) به عنوان مانعی جدی در جذب سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی عمل می‌کنند. این ابزارها هزینه‌های مبادله را افزایش می‌دهند، ریسک فعالیت اقتصادی را بالا می‌برند و اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهند. ابزارهای ناکارآمد، مانند قوانین پیچیده یا سیستم‌های اداری منسوخ، به عنوان «گلوگاه‌های توسعه» عمل می‌کنند و بهبود فضای کسب و کار مستلزم شناسایی و حذف این موانع است. ظرفیت‌های قانونی نیز به قوانین، مقررات و سیاست‌هایی اشاره دارند که می‌توانند برای دستیابی به اهداف اقتصادی یا سازمانی استفاده شوند. عدم استفاده بهینه از این ظرفیت‌ها زمانی رخ می‌دهد که سازمان‌ها یا دولت‌ها نتوانند از قوانین موجود به طور مؤثر بهره‌برداری کنند. این مشکل می‌تواند به دلایل زیر باشد:

- ناآگاهی: عدم اطلاع از قوانین موجود یا چگونگی استفاده از آن‌ها.
- پیچیدگی قانونی: قوانین مبهم یا دشوار که مانع اجرای مؤثر می‌شوند.
- عدم هماهنگی: نبود همکاری بین نهادها برای اجرای قوانین.

برای مثال، اگر قانونی برای ارائه معافیت‌های مالیاتی به شرکت‌های نوپا وجود داشته باشد اما به دلیل ناآگاهی یا بوروکراسی، این معافیت‌ها به شرکت‌ها اعطا نشود، این نمونه‌ای از عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های قانونی است.

تعریف	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	مفهوم
ابزارهایی که با نیازهای فعلی هم‌خوانی ندارند.	هدررفت منابع به دلیل قدیمی بودن یا پیچیدگی.	ناکارآمدی ابزارهای موجود
ناتوانی در بهره‌برداری از قوانین موجود.	از دست دادن فرصت‌های قانونی به دلیل ناآگاهی یا پیچیدگی.	عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های قانونی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ابزارهای ناکارآمد مانع مهمی در دستیابی به اهداف اقتصادی و سازمانی هستند. ناکارآمدی ابزارهای موجود، درآمد اختصاصی و عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های قانونی همگی به هدررفت منابع و کاهش بهره‌وری منجر می‌شوند. برای رفع این مشکلات، سازمان‌ها و دولت‌ها می‌توانند اقدامات زیر را انجام دهند:

- به‌روزرسانی ابزارها: استفاده از فناوری‌های جدید برای بهبود فرآیندها.
- افزایش شفافیت: ایجاد سیستم‌های نظارتی برای مدیریت درآمد اختصاصی.
- آموزش و ساده‌سازی قوانین: افزایش آگاهی از ظرفیت‌های قانونی و کاهش پیچیدگی‌های بوروکراتیک.

نگاه واحد مدیران

نگاه واحد مدیران به رویکردی اشاره دارد که در آن مدیران ارشد سازمان، به‌ویژه در زمینه سرمایه‌گذاری، دیدگاهی هماهنگ و یکپارچه دارند. این دیدگاه به آن‌ها کمک می‌کند تا تصمیمات سرمایه‌گذاری را به گونه‌ای اتخاذ کنند که با اهداف بلندمدت سازمان هم‌راستا

باشد. به نظر می‌رسد این رویکرد شامل سیاست‌های منسجم برای جذب سرمایه و رفتار منصفانه با همه سرمایه‌گذاران، چه داخلی و چه خارجی، است. نگاه واحد مدیران به معنای هماهنگی استراتژیک، انسجام در تصمیم‌گیری و اجرای هماهنگ سیاست‌ها توسط نهادهای دولتی و خصوصی است. عدم هماهنگی بین مدیران و نهادها (مانند تضاد قوانین، موازی‌کاری‌ها یا ناهمخوانی در اولویت‌ها) سبب سردرگمی سرمایه‌گذاران و کاهش کارایی سیستم می‌شود. مدیران عالی نقش کلیدی در شکل‌دهی استراتژی‌های سرمایه‌گذاری دارند. آن‌ها باید تصمیمات خود را براساس عواملی مانند اهداف سازمان، تحمل ریسک و شرایط بازار تنظیم کنند. براساس مقاله‌ای از جیمز چن (James Chen, 2022)، استراتژی سرمایه‌گذاری مجموعه‌ای از اصول است که برای دستیابی به اهداف مالی طراحی شده و شامل ارزیابی ریسک و بازده است. مدیران ارشد ممکن است سرمایه‌گذاری را به عنوان ابزاری برای توسعه فناوری، گسترش بازار یا افزایش ظرفیت تولید ببینند. برای مثال، یک مدیر ممکن است تصمیم بگیرد که سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر را به دلیل پتانسیل رشد بلندمدت اولویت‌بندی کند.

این دیدگاه یکپارچه نیازمند هماهنگی بین بخش‌های مختلف سازمان است تا اطمینان حاصل شود که تصمیمات سرمایه‌گذاری با استراتژی کلی هم‌راستا هستند. مقاله‌ای از هولاندا نویره و همکاران، ۱۴۰۱۸ نشان می‌دهد که مدیران باید عوامل عینی (مانند ویژگی‌های سازمان) و ذهنی (مانند پروفایل شخصیتی خود) را در تصمیم‌گیری‌های پرریسک، از جمله سرمایه‌گذاری، در نظر بگیرند.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف	مثال
نگاه مدیران عالی به سرمایه‌گذاری	هم‌راستا کردن سرمایه‌گذاری با اهداف سازمان و مدیریت ریسک.	استراتژی منسجم برای تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری.	اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز.
گفتمان پذیرش سرمایه‌گذاری	ایجاد محیط جذاب برای سرمایه‌گذاران از طریق مشوق‌ها و زیرساخت‌ها.	بحث‌ها و سیاست‌های جذب سرمایه.	همکاری با آژانس‌های ترویج سرمایه‌گذاری برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی.
نگاه یکسان به سرمایه‌گذاران	جلب اعتماد و افزایش جریان سرمایه با اعمال قوانین منصفانه.	رفتار برابر با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی.	استفاده از معیارهای یکسان برای ارزیابی پیشنهادات سرمایه‌گذاری.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نگاه واحد مدیران ابزار قدرتمندی برای اطمینان از هماهنگی در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری است. این دیدگاه به مدیران ارشد اجازه می‌دهد تا سرمایه‌گذاری را به عنوان بخشی از استراتژی کلی سازمان مدیریت کنند، در حالی که با رفتار منصفانه با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، اعتماد و جریان سرمایه را افزایش می‌دهند. گفتمان پذیرش سرمایه‌گذاری، از طریق سیاست‌های حمایتی و زیرساخت‌های مناسب، به سازمان‌ها کمک می‌کند تا در بازار جهانی رقابتی باقی بمانند. با این حال، اجرای این دیدگاه نیازمند دقت است. مدیران باید از شرایط اقتصادی و قانونی آگاه باشند و استراتژی‌های خود را به طور منظم بازبینی کنند. علاوه بر این، تفاوت‌های بالقوه در رفتار سرمایه‌گذاران داخلی و

خارجی ممکن است نیاز به تنظیمات خاصی در استراتژی‌ها داشته باشد. در نهایت، نگاه واحد مدیران، با ترکیب استراتژی‌های منسجم، گفتمان فعال در پذیرش سرمایه‌گذاری و رفتار برابر با سرمایه‌گذاران، می‌تواند به توسعه پایدار و موفقیت سازمانی کمک کند.

قدرت نهادی و ساختاری

قدرت ساختاری به معنای توانایی سیستم‌های حکمرانی، قوانین، و زیرساخت‌ها در ایجاد ثبات، کاهش ریسک و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی است. نهادهای قوی و ساختارهای کارآمد، پایه‌های اصلی جذب سرمایه‌گذاری و رشد پایدار اقتصاد محسوب می‌شوند. قدرت نهادی و ساختاری، ستون فقرات جذب سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب و کار است. بدون نهادهای شفاف، قوانین کارآمد و زیرساخت‌های پایدار، حتی جذاب‌ترین مشوق‌ها نیز نتیجه بخش نخواهند بود. قدرت نهادی به ظرفیت نهادها (مانند دولت، سازمان‌ها، یا سیستم‌های قانونی) برای هدایت و کنترل رفتار افراد و گروه‌ها از طریق قوانین، مقررات، هنجارها و فرآیندهای رسمی اشاره دارد. این قدرت از ساختارهای رسمی و مشروعیت نهادها ناشی می‌شود. برای مثال، توانایی یک دولت برای وضع مالیات یا یک سازمان برای تعیین سیاست‌های داخلی نمونه‌ای از قدرت نهادی است. براساس ویکی‌پدیا، قدرت نهادی اغلب از طریق اقتدار قانونی یا هنجارهای پذیرفته‌شده اعمال می‌شود و می‌تواند رفتارها را به طور مستقیم یا غیرمستقیم شکل دهد.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف
قدرت نهادی	مشروعیت، اقتدار قانونی، ساختارهای رسمی.	توانایی نهادها برای هدایت رفتارها از طریق قوانین و هنجارهای رسمی.
قدرت ساختاری	روابط قدرت، توزیع منابع، نابرابری‌های سیستمی.	تأثیر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی بر رفتارها و فرصت‌ها.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

قدرت نهادی و ساختاری دو بعد مکمل در تحلیل چگونگی شکل‌گیری نظم اجتماعی و سازمانی هستند. قدرت نهادی از طریق قوانین و ساختارهای رسمی نظم و ثبات ایجاد می‌کند، در حالی که قدرت ساختاری از طریق الگوهای سیستمی و غیررسمی، فرصت‌ها و محدودیت‌ها را شکل می‌دهد. درک این دو نوع قدرت برای تحلیل سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ضروری است، زیرا آن‌ها به طور مشترک رفتارها، تصمیمات و نتایج را تعیین می‌کنند. برای بهبود عملکرد سیستم‌ها، سیاست‌گذاران و مدیران باید تعادل بین این دو نوع قدرت را در نظر بگیرند. برای مثال، اصلاحات نهادی (مانند ساده‌سازی قوانین) می‌تواند ناکارآمدی‌ها را کاهش دهد، در حالی که توجه به ساختارهای اجتماعی (مانند کاهش نابرابری) می‌تواند عدالت و پایداری را تقویت کند. این رویکرد یکپارچه می‌تواند به ایجاد سیستم‌هایی منجر شود که هم کارآمد و هم عادلانه باشند.

وحدت رویه و فرماندهی

وحدت رویه (یکپارچگی در قوانین و فرآیندها) و فرماندهی متمرکز (هماهنگی در تصمیم‌گیری و اجرا) از عوامل کلیدی در ایجاد ثبات، کاهش ناکارآمدی‌ها و جلب اعتماد

سرمایه‌گذاران هستند. پراکندگی در سیاست‌ها، تضاد قوانین، یا ناهماهنگی بین نهادها، هزینه‌های مبادله را افزایش داده و سرمایه‌گذاری را با ریسک مواجه می‌کند. وحدت رویه و فرماندهی به رویکردی یکپارچه در مدیریت و سیاست‌گذاری اشاره دارد که در آن فرآیندها، تصمیمات و رهبری به صورت هماهنگ و منسجم برای دستیابی به اهداف مشترک عمل می‌کنند. در چارچوب مدیریت، این مفهوم از اصول نظامی اقتباس شده و به معنای اطمینان از این است که همه بخش‌ها و افراد در یک سازمان یا سیستم تحت یک استراتژی و رهبری واحد کار می‌کنند. براساس منابع موجود، مانند ویکی‌پدیا، وحدت فرماندهی به معنای داشتن یک رهبر یا مرجع تصمیم‌گیری واحد است تا از پراکندگی و ناهماهنگی جلوگیری شود. وحدت رویه نیز به استفاده از فرآیندها و سیاست‌های استاندارد برای اطمینان از انسجام اشاره دارد. وحدت رویه و فرماندهی متمرکز، پایه اصلی کاهش نااطمینانی و افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری است. این دو عامل با ایجاد ثبات، شفافیت و سرعت در تصمیم‌گیری، ریسک فعالیت اقتصادی را کاهش داده و اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را جلب می‌کنند.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف	مثال
وحدت رویه	کاهش ابهام و افزایش شفافیت برای سرمایه‌گذاران.	فرآیندها و سیاست‌های استاندارد و یکسان.	فرآیند واحد برای ثبت شرکت‌های خارجی.
وحدت فرماندهی	هماهنگی بین نهادها و جلوگیری از پراکندگی.	رهبری متمرکز با یک مرجع تصمیم‌گیری.	اژانس سرمایه‌گذاری ملی به عنوان مرجع اصلی.
عدم تناسب قوانین	ایجاد موانع برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی.	ناهماهنگی یا پیچیدگی در قوانین سرمایه‌گذاری.	تناقض در مقررات مالیاتی بین نهادهای مختلف.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

وحدت رویه و فرماندهی ابزارهای کلیدی برای ایجاد محیطی جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی هستند. با ایجاد قوانین شفاف، فرآیندهای استاندارد و رهبری متمرکز، کشورها و سازمان‌ها می‌توانند اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کرده و جریان سرمایه را افزایش دهند. با این حال، عدم تناسب قوانین می‌تواند این تلاش‌ها را تضعیف کند. ناهماهنگی‌های قانونی، بوروکراسی پیچیده و قوانین منسوخ موانع مهمی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند.

برای رفع این مشکلات، سیاست‌گذاران باید:

- قوانین را با حذف تناقضات و کاهش بوروکراسی ساده‌سازی کنند.
- هماهنگی نهادی را با ایجاد مراجع واحد برای مدیریت سرمایه‌گذاری تقویت کنند.

• قوانین را برای انطباق با نیازهای بازار جهانی به‌روزرسانی کنند. این اقدامات می‌توانند وحدت رویه و فرماندهی را تقویت کرده و محیط سرمایه‌گذاری را بهبود بخشند. در نهایت، این رویکرد یکپارچه می‌تواند به رشد اقتصادی، ایجاد شغل و توسعه پایدار کمک کند.

ثبات قوانین و مقررات

ثبات قوانین و مقررات یکی از مهمترین عوامل جلب اعتماد سرمایه‌گذاران است. تغییرات مکرر یا تفسیرهای سلیقه‌ای از قوانین، ریسک فعالیت اقتصادی را افزایش داده و برنامه‌ریزی بلندمدت را مختل می‌کند. ثبات قوانین و مقررات، پایه اصلی جذب سرمایه‌گذاری پایدار است. ثبات قوانین و مقررات به وضعیتی اشاره دارد که در آن قوانین، سیاست‌ها و مقررات در طول زمان پایدار، قابل پیش‌بینی و منسجم باقی می‌مانند. این ثبات به افراد، سازمان‌ها و سرمایه‌گذاران اطمینان می‌دهد که چارچوب‌های قانونی تغییر ناگهانی یا غیرمنطقی نخواهند داشت، و از این رو برنامه‌ریزی بلندمدت را تسهیل می‌کند. براساس تعریف بانک جهانی (World Bank)، ثبات قانونی یکی از مؤلفه‌های کلیدی حاکمیت خوب است که به ایجاد اعتماد در محیط کسب‌وکار کمک می‌کند. این ثبات نه تنها هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد، بلکه به سرمایه‌گذاران اطمینان می‌دهد که بازدهی بلند مدت پروژه‌ها تحت تأثیر تغییرات پیش‌بینی نشده قرار نخواهد گرفت.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف	مثال
ثبات قوانین و مقررات	ایجاد اعتماد و تسهیل برنامه‌ریزی بلندمدت.	پایداری، پیش‌بینی‌پذیری و انسجام قوانین در طول زمان.	قوانین مالیاتی پایدار برای جذب سرمایه‌گذاری.
عدم ثبات قوانین و مقررات	کاهش اعتماد و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری.	تغییرات مکرر یا غیرقابل پیش‌بینی در قوانین.	تغییر ناگهانی سیاست‌های تجارت خارجی.
تعارض در قوانین موجود	ایجاد سردرگمی و افزایش هزینه‌های عملیاتی.	ناسازگاری یا تناقض بین قوانین مختلف.	تفاوت بین مقررات مالیاتی ملی و محلی.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ثبات قوانین و مقررات یکی از عوامل کلیدی در ایجاد محیطی مطمئن برای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری است. پایداری، شفافیت و انسجام قوانین به فعالان اقتصادی اطمینان می‌دهد که می‌توانند با ریسک کمتری برنامه‌ریزی کنند. در مقابل، عدم ثبات قوانین و تعارض در قوانین موجود می‌توانند به بی‌اعتمادی، افزایش ریسک و کاهش فعالیت‌های اقتصادی منجر شوند.

برای بهبود وضعیت ثبات قوانین و مقررات، سیاست‌گذاران باید:

- تغییرات را محدود کنند: یعنی تنها در صورت ضرورت و با اطلاع‌رسانی کافی قوانین را اصلاح کنند.

- هماهنگی را تقویت کنند: یعنی تناقضات بین قوانین ملی و محلی یا بین حوزه‌های مختلف را حذف کنند.
- شفافیت را افزایش دهند: یعنی قوانین را به‌وضوح تدوین کرده و فرآیندهای مشورتی با ذی‌نفعان را اجرا کنند.

این اقدامات می‌توانند محیطی قابل پیش‌بینی و جذاب برای سرمایه‌گذاری ایجاد کنند و به رشد اقتصادی و توسعه پایدار کمک کنند. در نهایت، ثبات قوانین و مقررات نه تنها اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب می‌کند، بلکه به بهبود کارایی سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود.

سیاست‌های ارزی

سیاست‌های ارزی به مجموعه‌ای از اقدامات، قوانین و استراتژی‌های اجرا شده توسط دولت یا بانک مرکزی برای مدیریت ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی، تنظیم جریان‌های مالی بین‌المللی و کنترل بازار ارز اشاره دارد. این سیاست‌ها با هدف حفظ ثبات اقتصادی، حمایت از تجارت و سرمایه‌گذاری و مدیریت ذخایر ارزی طراحی می‌شوند. براساس تعریف Investopedia، سیاست‌های ارزی شامل تعیین رژیم‌های نرخ ارز (ثابت، شناور یا مدیریت‌شده)، مدیریت ذخایر ارزی و تنظیم نقل و انتقالات مالی است. سیاست‌های ارزی نقش محوری در ثبات اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری و رقابت‌پذیری بین‌المللی دارند. نوسانات نرخ ارز، محدودیت‌های دسترسی به ارز خارجی یا سیاست‌های ناپایدار ارزی، ریسک فعالیت اقتصادی را افزایش داده و سرمایه‌گذاران را با عدم اطمینان مواجه می‌کنند. سیاست‌های ارزی پایدار و شفاف، پیش‌نیاز جذب سرمایه‌گذاری و رشد بخش تولیدی است. نوسانات کنترل

نشده نرخ ارز یا محدودیت‌های دسترسی به ارز، نه تنها هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد، بلکه برنامه‌ریزی بلندمدت سرمایه‌گذاران را مختل می‌کند.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف	مثال
سیاست‌های ارزی	حفظ ثبات و حمایت از تجارت و سرمایه‌گذاری.	اقدامات برای مدیریت ارزش پول و جریان‌های مالی.	تعیین نرخ ارز مدیریت‌شده برای کاهش نوسانات.
نوسانات ارزی	افزایش ریسک و بی‌ثباتی در تجارت و سرمایه‌گذاری.	تغییرات شدید یا غیرقابل پیش‌بینی در نرخ ارز.	کاهش ناگهانی ارزش پول به دلیل تحریم‌ها.
نقل و انتقالات مالی	تسهیل تجارت، سرمایه‌گذاری و بازپرداخت بدهی‌ها.	جریان‌های ورودی و خروجی پول در سطح بین‌المللی.	انتقال سود یک شرکت چندملیتی به کشور مبدأ.
چندنرخی بودن ارز	ایجاد پیچیدگی، فساد و کاهش اعتماد.	وجود نرخ‌های مختلف برای یک ارز در بازارهای مختلف.	نرخ رسمی پایین برای واردات و نرخ بازار آزاد بالاتر.
تسعیر ارز	محاسبه ارزش در حسابداری و تجارت بین‌المللی.	تبدیل ارزش یک ارز به ارز دیگر براساس نرخ مشخص.	تبدیل سود یک شرکت از دلار به یورو برای گزارشگری مالی.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

سیاست‌های ارزی ابزارهای حیاتی برای مدیریت اقتصاد کلان، حفظ ثبات مالی و تقویت تجارت بین‌المللی هستند. این سیاست‌ها با کنترل نوسانات ارزی، تسهیل نقل و انتقالات مالی، کاهش اثرات چندنرخی بودن ارز و ساده‌سازی تسعیر ارز، به ایجاد

محیطی مطمئن برای فعالان اقتصادی کمک می‌کنند. با این حال، چالش‌هایی مانند نوسانات ارزی غیرقابل پیش‌بینی، محدودیت‌های نقل و انتقالات، پیچیدگی‌های چندنرخ‌ی بودن و ابهام در تسعیر ارز می‌توانند اثربخشی این سیاست‌ها را کاهش دهند. برای بهبود سیاست‌های ارزی، دولت‌ها و بانک‌های مرکزی باید:

- نوسانات را کنترل کنند: بدین معنا که با دخالت مناسب در بازار و مدیریت ذخایر ارزی.
- نقل و انتقالات را تسهیل کنند: بدین معنا که با کاهش محدودیت‌ها و بهبود زیرساخت‌های مالی.
- چندنرخ‌ی بودن را کاهش دهند: بدین معنا که با حرکت به سمت نرخ ارز واحد و افزایش شفافیت.
- تسعیر ارز را ساده کنند: بدین معنا که با ارائه نرخ‌های مرجع پایدار و شفاف.

این اقدامات می‌توانند اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش داده، تجارت بین‌المللی را تقویت کرده و به رشد اقتصادی پایدار کمک کنند. در نهایت، سیاست‌های ارزی مؤثر نه تنها ارزش پول ملی را مدیریت می‌کنند، بلکه به ادغام اقتصاد در بازارهای جهانی یاری می‌رسانند.

مرکزیت مقتدر

مرکزیت مقتدر به معنای وجود ساختار حکمرانی متمرکز، قوی و تصمیم‌گیرنده است که توانایی اجرای سریع سیاست‌ها، کاهش ناهماهنگی‌ها و ایجاد ثبات در محیط اقتصادی را دارد. این عامل می‌تواند با تسهیل فرآیندها و تضمین امنیت سرمایه‌گذاری، نقش کلیدی در جذب سرمایه‌گذاران ایفا کند. مرکزیت مقتدر به وضعیتی اشاره دارد که در آن قدرت، اقتدار و تصمیم‌گیری در یک نهاد، فرد یا ساختار مرکزی متمرکز است. این ساختار به‌عنوان

مرجع اصلی عمل کرده و سیاست‌ها، منابع و جهت‌گیری‌های سیستم را هدایت می‌کند. براساس منابع نظری، مانند تحلیل‌های مرتبط با قدرت در علوم اجتماعی، مرکزیت مقتدر معمولاً در سیستم‌های سلسله‌مراتبی مانند دولت‌های متمرکز، سازمان‌های بزرگ یا ساختارهای نظامی دیده می‌شود. این مفهوم با توانایی یک مرکز برای اعمال کنترل، هماهنگی و اجرای تصمیمات مشخص می‌شود. مرکزیت مقتدر می‌تواند با کاهش ناهماهنگی‌ها، تسریع تصمیم‌گیری و اجرای بدون تعلیق سیاست‌ها، فضای کسب و کار را بهبود بخشد و جذب سرمایه را افزایش دهد. با این حال، این رویکرد در صورت فقدان شفافیت، پاسخگویی و مشارکت بخش خصوصی، ممکن است به فساد یا تصمیمات ناپایدار منجر شود.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف
مرکزیت مقتدر	هماهنگی و اجرای سیاست‌ها با اقتدار.	تمرکز قدرت و تصمیم‌گیری در یک نهاد یا فرد مرکزی.
هم‌عرضی نیروهای قدرت	توزیع قدرت و جلوگیری از تمرکز بیش از حد.	تعامل و همکاری بین نیروهای قدرت به صورت افقی.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مرکزیت مقتدر و هم‌عرضی نیروهای قدرت دو بعد مکمل در تحلیل ساختارهای قدرت هستند. مرکزیت مقتدر با تمرکز تصمیم‌گیری و هماهنگی، کارایی و انسجام را در سیستم‌های سلسله‌مراتبی تقویت می‌کند. در مقابل، هم‌عرضی نیروهای قدرت با توزیع قدرت و نظارت متقابل، از سوءاستفاده و تمرکز بیش از حد جلوگیری می‌کند.

برای ایجاد سیستم‌های پایدار و کارآمد، سیاست‌گذاران و مدیران باید:

- تعادل را بین تمرکز کافی برای کارایی و توزیع قدرت برای مشروعیت حفظ کنند.
- همکاری را بین نیروهای قدرت برای کاهش تنش و افزایش هماهنگی تقویت کنند.
- شفافیت را برای جلب اعتماد و مشروعیت در مرکزیت مقتدر افزایش دهند.

این رویکرد می‌تواند به ایجاد سیستم‌هایی منجر شود که هم کارآمد و هم عادلانه باشند، و از مزایای هر دو مفهوم بهره‌مند شوند. در نهایت، تعامل متعادل بین مرکزیت مقتدر و هم‌عرضی نیروهای قدرت می‌تواند به ثبات، توسعه و عدالت در سیستم‌های اجتماعی و سازمانی کمک کند.

هدایت‌گری سرمایه‌گذاری

هدایت‌گری سرمایه‌گذاری به مجموعه اقدامات، سیاست‌ها و استراتژی‌هایی اشاره دارد که دولت، بانک مرکزی یا نهادهای اقتصادی برای جهت‌دهی منابع مالی (داخلی و خارجی) به بخش‌های کلیدی اقتصاد به کار می‌برند. هدف این فرآیند، حداکثر کردن بازده اقتصادی، ایجاد اشتغال و تحقق اهداف توسعه‌ای مانند رشد اقتصادی پایدار است. براساس تعریف بانک جهانی (World Bank)، سیاست‌های سرمایه‌گذاری هدفمند می‌توانند با حمایت از بخش‌های استراتژیک، مانند زیرساخت‌ها یا فناوری، رشد اقتصادی را تقویت کنند.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف	مثال
هدایت‌گری سرمایه‌گذاری	تقویت رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال.	جهت‌دهی منابع مالی به بخش‌های اولویت‌دار اقتصاد.	ارائه یارانه برای سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر.
رشد ۸ درصدی اقتصادی	نشان‌دهنده اقتصاد پویا و افزایش تولید و بهره‌وری.	افزایش سالانه ۸ درصد در تولید ناخالص داخلی.	رشد اقتصادی چین در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

هدایت‌گری سرمایه‌گذاری ابزاری حیاتی برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای، مانند رشد ۸ درصدی اقتصادی، است. این فرآیند با تخصیص هدفمند منابع به بخش‌های پربازده، بهره‌وری را افزایش داده و زیرساخت‌های لازم برای رشد پایدار را فراهم می‌کند. با این حال، موفقیت هدایت‌گری سرمایه‌گذاری به عواملی مانند شفافیت، هماهنگی نهادی و ثبات سیاست‌ها بستگی دارد.

برای بهبود هدایت‌گری سرمایه‌گذاری، دولت‌ها باید:

- بخش‌های کلیدی را با تحلیل پتانسیل رشد و بازده سرمایه‌گذاری شناسایی کنند.
- مشوق‌های هدفمند مانند معافیت‌های مالیاتی برای صنایع استراتژیک ارائه دهند.
- هماهنگی را بین دولت، بخش خصوصی و نهادهای مالی برای تخصیص بهینه منابع تقویت کنند.

این اقدامات می‌توانند رشد اقتصادی را تسریع کرده و به دستیابی به اهدافی مانند رشد ۸ درصدی کمک کنند. در نهایت، هدایت‌گری سرمایه‌گذاری مؤثر نه تنها منابع مالی را بهینه می‌کند، بلکه به توسعه پایدار و افزایش رفاه اقتصادی منجر می‌شود.

نقشه راه و استراتژی‌های جذب سرمایه‌گذاری

نقشه راه جذب سرمایه‌گذاری یک برنامه جامع و ساختاریافته است که چارچوبی برای هدایت منابع مالی به بخش‌های کلیدی اقتصاد فراهم می‌کند. این نقشه شامل شناسایی اولویت‌ها، تعیین اهداف، تدوین سیاست‌ها و ایجاد مکانیزم‌های اجرایی برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی است. براساس تعریف بانک جهانی (World Bank)، نقشه راه سرمایه‌گذاری باید شامل تحلیل محیط کسب و کار، شناسایی موانع و ارائه راهکارهای مشخص برای بهبود جذابیت سرمایه‌گذاری باشد. تدوین نقشه راه منسجم و استراتژی‌های عملیاتی، نه تنها سرمایه‌گذاران را به سمت اولویت‌های ملی هدایت می‌کند، بلکه با ایجاد شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری، اعتماد آن‌ها را جلب می‌نماید.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف	مثال
نقشه راه جذب سرمایه‌گذاری	ارائه چارچوب ساختاریافته برای جذب سرمایه.	برنامه جامع برای هدایت منابع مالی به بخش‌های اولویت‌دار.	برنامه ملی برای افزایش FDI در بخش فناوری.
رابطه برد-برد	ایجاد ارزش متقابل برای سرمایه‌گذار و کشور میزبان.	همکاری‌ای که همه طرف‌ها از آن بهره‌مند شوند.	سرمایه‌گذاری در پروژه انرژی که شغل ایجاد می‌کند.
مسیر سبز سرمایه‌گذاری	تسریع سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیست‌محیطی.	فرآیندهای ساده برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پایدار.	معافیت مالیاتی برای پروژه‌های انرژی بادی.
استراتژی‌های جذب سرمایه‌گذاری	بهبود محیط کسب‌وکار و ارائه مشوق‌ها.	اقدامات هدفمند برای جلب سرمایه‌گذاران.	توسعه زیرساخت‌های بندری برای جذب سرمایه‌گذاری.
دیپلماسی اقتصادی فعالانه	افزایش اعتماد و جریان سرمایه از طریق همکاری‌های جهانی.	استفاده از روابط بین‌المللی برای ترویج سرمایه‌گذاری.	امضای توافق‌نامه دوجانبه سرمایه‌گذاری.
توسعه مناطق ویژه اقتصادی برای رشد منطقه‌ای.	ایجاد بستر برای جذب سرمایه و توسعه پایدار.	سیاست‌های کلان برای تقویت رشد و زیرساخت‌ها.	راهبردهای توسعه اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نقشه راه و استراتژی‌های جذب سرمایه‌گذاری ابزارهای حیاتی برای هدایت منابع مالی به بخش‌های کلیدی و تحقق اهداف توسعه اقتصادی هستند. این فرآیند با ایجاد رابطه برد-برد، ساده‌سازی فرآیندها از طریق مسیر سبز، استفاده از دیپلماسی اقتصادی و هم‌راستایی با راهبردهای توسعه اقتصادی، می‌تواند جریان سرمایه را افزایش داده و رشد پایدار را تقویت کند.

برای موفقیت، سیاست‌گذاران باید:

- نقشه راه مشخصی با اهداف روشن و اولویت‌های مبتنی بر تحلیل بازار تدوین کنند.
 - شفافیت و هماهنگی را برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش موانع تقویت کنند.
 - دیپلماسی اقتصادی را برای بازاریابی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در سطح جهانی فعال کنند.
- این اقدامات می‌توانند به جذب سرمایه‌گذاری پایدار، ایجاد اشتغال و تحقق اهداف توسعه‌ای کمک کنند. در نهایت، یک نقشه راه مؤثر و استراتژی‌های هماهنگ نه تنها منابع مالی را بهینه می‌کنند، بلکه به توسعه اقتصادی فراگیر و پایدار منجر می‌شوند.

عوامل و تحریم‌های بین‌المللی:

عوامل و تحریم‌های بین‌المللی به ابزارها و اقدامات محدودکننده‌ای اشاره دارند که توسط دولت‌ها، ائتلاف‌های بین‌المللی یا سازمان‌هایی مانند سازمان ملل برای اعمال فشار بر یک کشور یا نهاد به منظور تغییر رفتار، سیاست‌ها یا اقدامات آن استفاده می‌شوند. این تحریم‌ها می‌توانند اقتصادی (مانند محدودیت‌های تجاری)، مالی (مانند مسدود کردن دارایی‌ها)، سیاسی (مانند اخراج دیپلمات‌ها) یا نظامی باشند. براساس نوشته‌ای از جانانان مسترز

(Jonathan Masters) در [Council on Foreign Relations]، تحریم‌ها اغلب برای اهداف مختلفی مانند جلوگیری از نقض حقوق بشر، توقف برنامه‌های تسلیحاتی یا مجازات اقدامات غیرقانونی اعمال می‌شوند.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف	مثال
عوامل و تحریم‌های بین‌المللی	فشار بر سیاست‌ها یا اقتصاد کشور هدف.	محدودیت‌های اقتصادی، مالی یا سیاسی برای تغییر رفتار یک کشور.	تحریم‌های نفتی علیه یک کشور برای توقف برنامه هسته‌ای.
تجارب جهانی	ارائه درس‌هایی برای موفقیت یا شکست در برابر تحریم‌ها.	تجربیات کشورها در مواجهه با تحریم‌ها و مدیریت اثرات آن‌ها.	کاهش اثرات تحریم‌ها در سنگاپور با تعاملات بین‌المللی.
افزایش تعاملات	بهبود دسترسی به بازارها و سرمایه.	تقویت روابط دیپلماتیک و تجاری برای کاهش اثرات تحریم‌ها.	امضای توافق‌نامه‌های تجاری با کشورهای غیرتحریمی.
بهبود رتبه اعتباری	جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش هزینه‌های استقراض.	ارتقای جایگاه مالی در ارزیابی‌های بین‌المللی.	بهبود رتبه اعتباری پس از افزایش صادرات و ثبات اقتصادی.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

عوامل و تحریم‌های بین‌المللی ابزارهای قدرتمندی در سیاست خارجی هستند که می‌توانند تأثیرات عمیقی بر اقتصاد و سیاست کشورهای هدف داشته باشند. تجارب جهانی نشان می‌دهند که موفقیت در مدیریت تحریم‌ها به سیاست‌های داخلی، تنوع‌بخشی اقتصادی

1. <https://www.cfr.org/backgrounder/what-are-economic-sanctions>

و تعاملات بین‌المللی بستگی دارد. افزایش تعاملات دیپلماتیک و تجاری می‌تواند اثرات تحریم‌ها را کاهش داده و دسترسی به منابع و بازارها را بهبود بخشد، در حالی که بهبود رتبه اعتباری می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کرده و هزینه‌های مالی را کاهش دهد. برای مدیریت تحریم‌ها و بهبود جایگاه جهانی، سیاست‌گذاران ملی باید:

- تعاملات را از طریق دیپلماسی فعال و توافق‌نامه‌های تجاری تقویت کنند.
 - اقتصاد را برای کاهش وابستگی به منابع تحت تحریم متنوع کنند.
 - شفافیت را با ارائه داده‌های مالی قابل اعتماد و اصلاحات اقتصادی افزایش دهند.
- این اقدامات می‌توانند اثرات تحریم‌ها را کاهش داده و به رشد اقتصادی و ثبات مالی کمک کنند. در نهایت، ترکیبی از تعاملات بین‌المللی، اصلاحات داخلی و مدیریت هوشمندانه تحریم‌ها می‌تواند به بهبود جایگاه یک کشور در اقتصاد جهانی منجر شود.

امنیت سرمایه‌گذاری

امنیت سرمایه‌گذاری به وضعیتی اشاره دارد که در آن سرمایه‌گذاران (داخلی و خارجی) از محیطی مطمئن، شفاف و قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاری برخوردار هستند. این محیط ریسک‌های مالی، قانونی، سیاسی و عملیاتی را کاهش می‌دهد و به سرمایه‌گذاران اطمینان می‌دهد که دارایی‌ها و منافع آن‌ها محافظت می‌شود. براساس گزارش بانک جهانی (World Bank)، امنیت سرمایه‌گذاری یکی از عوامل کلیدی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و تقویت رشد اقتصادی است.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف	مثال
امنیت سرمایه‌گذاری	کاهش ریسک و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران.	محیطی مطمئن و قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاران.	قوانین شفاف برای حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی.
امنیت انرژی	حمایت از فعالیت‌های اقتصادی و کاهش هزینه‌ها.	دسترسی پایدار و مطمئن به منابع انرژی.	تأمین برق پایدار برای پارک‌های صنعتی.
لغو یک‌جانبه قرارداد پروژه زیرساختی	کاهش اعتماد و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری.	ناتوانی یا عدم پایبندی دولت به تعهدات قانونی و مالی.	عدم اجرای تعهدات ملی
رتبه پایین در شاخص ادراک فساد (CPI)	کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری به دلیل ریسک‌های فساد.	ناکافی بودن اقدامات برای بهبود ادراک جهانی از فساد.	عدم درک شاخص فساد
قوانین قوی برای حفاظت از اختراعات فناوری.	تشویق نوآوری و جذب سرمایه‌گذاری در بخش‌های خلاق.	حمایت قانونی از دارایی‌های فکری.	حقوق مالکیت معنوی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

امنیت سرمایه‌گذاری پایه‌ای برای جذب سرمایه داخلی و خارجی و تحقق رشد اقتصادی پایدار است. این امنیت با عواملی مانند امنیت انرژی، اجرای تعهدات ملی، درک شاخص فساد در سطح بین‌المللی و حمایت از حقوق مالکیت معنوی تقویت می‌شود. عدم توجه به این عوامل می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش داده و جریان سرمایه را محدود کند.

برای بهبود امنیت سرمایه‌گذاری، دولت‌ها باید:

- امنیت انرژی را با تنوع‌بخشی به منابع و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها تقویت کنند.

- تعهدات ملی را با پایبندی قانونی و مالی به قراردادها اجرا کنند.
- فساد را با بهبود شفافیت و اقدامات ضدفساد برای ارتقای رتبه CPI کاهش دهند.
- حقوق مالکیت معنوی را با تدوین و اجرای قوانین قوی حمایت کنند.

این اقدامات می‌توانند محیطی مطمئن برای سرمایه‌گذاری ایجاد کرده و به جذب سرمایه، ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی کمک کنند. در نهایت، امنیت سرمایه‌گذاری نه تنها اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب می‌کند، بلکه به توسعه پایدار و نوآوری اقتصادی منجر می‌شود.

بازار بزرگ و جذاب منطقه‌ای

بازار بزرگ و جذاب منطقه‌ای به مجموعه‌ای از کشورهای هم‌جوار یا مناطق جغرافیایی اشاره دارد که به دلیل جمعیت زیاد، رشد اقتصادی، منابع طبیعی، زیرساخت‌ها یا تقاضای مصرف‌کننده، فرصت‌های قابل توجهی برای تجارت و سرمایه‌گذاری ارائه می‌دهند. این بازارها به دلیل نزدیکی جغرافیایی، اشتراکات فرهنگی و اقتصادی، و پتانسیل همکاری، برای سرمایه‌گذاران و کسب‌وکارها جذاب هستند. براساس تعریف بان جهانی بازارهای منطقه‌ای با ادغام اقتصادی و کاهش موانع تجاری می‌توانند رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تسریع کنند.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف	مثال
بازار بزرگ و جذاب منطقه‌ای	ارائه فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری.	مجموعه کشورهای هم‌جوار با پتانسیل اقتصادی بالا.	منطقه آسه‌آن با جمعیت و رشد اقتصادی بالا.
عدم استفاده صحیح از تفاهم‌نامه‌ها	محدود کردن پتانسیل همکاری‌های منطقه‌ای.	ناتوانی در بهره‌برداری از توافق‌نامه‌های بین‌المللی.	عدم اجرای کامل توافق‌نامه تجارت آزاد به دلیل بوروکراسی.
نقشه راه تعارض و اشتراک منافع	تقویت همکاری و کاهش موانع منطقه‌ای.	برنامه‌ای برای مدیریت تعارضات و بهره‌برداری از منافع مشترک.	همکاری کشورهای خلیج فارس در پروژه‌های انرژی.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بازار بزرگ و جذاب منطقه‌ای فرصت‌های بی‌نظیری برای تجارت، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ارائه می‌دهد، اما بهره‌برداری از این پتانسیل نیازمند مدیریت مؤثر و هماهنگی است. عدم استفاده صحیح از ظرفیت تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی می‌تواند همکاری‌های منطقه‌ای را محدود کرده و فرصت‌های سرمایه‌گذاری را کاهش دهد. در مقابل، یک نقشه راه تعارض و اشتراک منافع می‌تواند با مدیریت اختلافات و تقویت همکاری‌ها، بازارهای منطقه‌ای را جذاب‌تر کند.

برای بهره‌برداری از بازارهای منطقه‌ای، دولت باید:

- تفاهم‌نامه‌ها را با هماهنگی نهادی و اجرای مؤثر آنها عملیاتی کنند.
- تعارض منافع بین کشوری را از طریق نقشه راه‌های مشخص برای حل اختلافات مدیریت کنند.
- همکاری‌های منطقه‌ای را با تمرکز بر پروژه‌های مشترک المنافع متقابل تقویت کنند.

این اقدامات می‌توانند بازارهای منطقه‌ای را برای سرمایه‌گذاران جذاب‌تر کرده و به رشد اقتصادی پایدار کمک کنند. در نهایت، ترکیبی از بهره‌برداری از تفاهم‌نامه‌ها، مدیریت تعارضات و تقویت همکاری‌ها می‌تواند پتانسیل بازارهای بزرگ منطقه‌ای را به حداکثر برساند.

موقعیت ژئوپولیتیک کشور

موقعیت ژئوپولیتیک کشور به ترکیبی از عوامل جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و استراتژیک اشاره دارد که جایگاه یک کشور را در منطقه و جهان تعیین می‌کند. این موقعیت شامل دسترسی به منابع طبیعی، قرارگیری در مسیرهای تجاری، همسایگی با قدرت‌های منطقه‌ای و توانایی تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی و اقتصادی است. براساس گزارش ¹Council on Foreign Relations، موقعیت ژئوپولیتیک می‌تواند فرصت‌ها یا چالش‌هایی را برای یک کشور ایجاد کند، بسته به نحوه مدیریت آن. موقعیت ژئوپولیتیک ایران به عنوان پل ارتباطی بین شرق و غرب و دسترسی به بازارهای بزرگ منطقه‌ای (خلیج فارس،

1. <https://www.cfr.org/backgrounder/geopolitics-and-globalization>

آسیای مرکزی، قفقاز و جنوب آسیا) یک مزیت استراتژیک بی‌بدیل است. این موقعیت می‌تواند ایران را به هاب تجاری، انرژی و لجستیک منطقه تبدیل کند.

مفهوم	نقش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی	تعریف	مثال
موقعیت ژئوپولیتیک کشور	تعیین‌کننده نفوذ و فرصت‌های اقتصادی و سیاسی.	جایگاه جغرافیایی، سیاسی و استراتژیک یک کشور در منطقه و جهان.	ترکیه به‌عنوان پلی بین اروپا و آسیا.
ایفای نقش در کریدورهای تجاری	تقویت اقتصاد و نفوذ از طریق تجارت و لجستیک.	مشارکت فعال در مسیرهای حمل‌ونقل و تجارت جهانی.	چین در ابتکار کمربند و جاده.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

موقعیت ژئوپولیتیک یک کشور به‌عنوان یک مزیت استراتژیک می‌تواند فرصت‌های بی‌ظنیری برای ایفای نقش در کریدورهای ارتباطی و تجارت جهانی فراهم کند. این موقعیت به کشورها امکان می‌دهد تا به‌عنوان مراکز لجستیکی، تجاری یا انرژی عمل کنند، اما بهره‌برداری از این پتانسیل نیازمند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، ثبات سیاسی و دیپلماسی فعال است.

برای حداکثر کردن مزایای موقعیت ژئوپولیتیک، دولت باید:

- زیرساخت‌ها را با سرمایه‌گذاری در بنادر، راه‌آهن و شبکه‌های لجستیکی توسعه دهند.

- دیپلماسی اقتصادی را از طریق توافق‌نامه‌های تجاری و همکاری‌های منطقه‌ای تقویت کنند.
- هماهنگی منطقه‌ای را برای مدیریت کریدورهای مشترک و کاهش رقابت‌ها افزایش دهند.

این اقدامات می‌توانند جریان تجارت و سرمایه‌گذاری را افزایش داده و نفوذ ژئوپولیتیک یک کشور را تقویت کنند. در نهایت، ترکیبی از موقعیت ژئوپولیتیک قوی و نقش فعال در کریدورهای تجاری می‌تواند به رشد اقتصادی پایدار و جایگاه برجسته در اقتصاد جهانی منجر شود.

منابع

- طیبی، کمیل؛ پورشهابی، فرشید؛ خانی‌زاده، مجتبی و الهام کاظمی (۱۳۹۲). «اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه بازبودن تجاری بر سرمایه‌گذاری داخلی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی ۱۰ کشور در حال توسعه آسیایی)». فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره ۶۷، ۱۵۲-۱۳۱.
- مزینی، امیرحسین و نیلوفر مرادحاصل (۱۳۸۷). «بازشناسی عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری خارجی»، ویژه نامه بازار سرمایه، شماره هفتم، ۳۵-۱۵.
- بهروزی، واقف؛ علیرضا سلطانی و مسعود میرزایی (۱۳۹۴). «بررسی موانع و محدودیت‌های داخلی سرمایه‌گذاران خارجی (مطالعه میدانی ۳۰۰ طرح سرمایه‌گذاری

خارجی تحت پوشش قانون». فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و سوم، شماره ۷۴، ۲۳۳-۱۹۳.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ سلمانی، یونس و آرش ولی‌نیا (۱۳۹۴). «اثرات بهبود فضای کسب و کار بر صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی کشورهای منتخب گروه G77)». فصلنامه علوم اقتصادی، سال نهم، شماره ۳۰، ۵۹-۴۷.

دلیری، حسن (۱۳۹۶). «اثر متقابل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری داخلی (مطالعه تطبیقی ایران و ۱۳۶ کشور دنیا)». فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۹۶-۸۱.

یلفانی، امیررضا؛ کاظمی، فاطمه و فاطمه مصدق (۱۳۹۵). «اثرات و پیامدهای تحریم بر سرمایه‌گذاری خارجی ایران و رابطه اقتصاد مقاومتی با کاهش اثرات منفی تحریم». ماهنامه شبکه اطلاعات کنفرانس‌های کشور، سال دوم، شماره ۲ پیاپی، جلد ۱، ۱-۱۰.

سلیم، علی؛ رضوی، محمدرضا؛ رادفر، رضا و فرهاد غفاری (۱۳۹۳). «بررسی انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران (مطالعه میدانی شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در ایران)». فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال هشتم، شماره ۲۹، ۱۷۴-۱۵۷.

دهقان شبانی، زهرا و سعیده آفرینش‌فر (۱۳۹۴). «تحلیل تأثیر فضای کسب و کار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و چند کشور منتخب». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال بیستم، شماره ۶۲، ۳۰-۱.

زاهدی تهرانی، پیروش؛ وکیل یزدی، ابراهیم و فاطمه خواجه‌فینی (۱۳۹۴). «تدوین راهبرد جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بستر تجارت جهانی». فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۲۴، ۳۷-۱۹.

معمازاده، غلامرضا و الهه امینی (۱۳۹۱). «شناسایی و اولویت بندی موانع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران». فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال سوم، شماره ۵ و ۶.

فرزین، محمدرضا؛ اشرفی، یکتا و فاطمه فهیمی فر (۱۳۹۱). «بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی: تلفیق روش‌های سیستم دینامیک و اقتصادسنجی». فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۱، ۶۲-۲۹.

شیروانی، مسلم؛ درویشی، فرهاد؛ ایجابی، ابراهیم و زهرا امین افشار (۱۳۹۸). «آینده‌نگاری جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران برای افق ۱۴۲۰ با روش سناریو پردازی». فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و هفتم، ۹۰، ۴۲۶-۳۹۳.

دودانگی، محمد (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران». فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۴۷-۱۳۱.

رئوفی، حمیدرضا و کاملیا قلم‌زن (۱۳۹۲). «عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۲۷ کشور منتخب (پیشرفته و در حال توسعه) از جمله ایران». فصلنامه علوم اقتصادی، سال چهارم، شماره ۴، ۱۴۰-۱۲۰.

مشیری، سعید و سعید کیان‌پور (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یک مطالعه بین‌کشوری (۲۰۰۷-۱۹۸۰)». فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره نهم، شماره ۲، ۳۰-۱.

داوودی، پرویز و اکبر شاهمرادی (۱۳۸۳). «بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۴، ۱۱۳-۸۱.

UNCTAD. (2009). *The Role of International Investment Agreements in Attracting Foreign Direct Investment to Developing Countries*. New York and Geneva. United Nations. UNCTAD Series on International Investment Policies for Development.

Greaney T.M. & K. Kiyota (2020). "Japan's outward FDI potential". *Journal of the Japanese and International Economies*, 57, 101073.

Kao M.S. & A. Kuo (2017). "The effect of uncertainty on FDI entry mode decisions: The influence of family ownership and involvement in the board of directors". *Journal of Family Business Strategy*, 8(4), 224–236.

Li W., Nie G. & Z. Wang (2020). "Trade, FDI, and Global Imbalances". *Journal of International Money and Finance*, 105, 102188.

Mahbub T. & J. Jongwanich (2019). "Determinants of foreign direct investment (FDI) in the power sector: A case study of Bangladesh". *Energy Strategy Reviews*, 24, 178–192.

Wang E.Y. & M. Kafouros (2020). "Location still matters! How does geographic configuration influence the performance-enhancing advantages of FDI spillovers?", *Journal of International Management*, 26(3), 100777.

Zhang J., Wu W. & R. Chen (2018). "Leveraging channel management capability for knowledge transfer in international joint ventures in an emerging market: A moderated mediation model". *Industrial Marketing Management*, 75, 173–183.

Sabir S., Rafique A. & M. Kamran (2021). "Institutions and FDI: Evidence from Developing Countries". *International Business Review*, 30(4), 101-115.

<https://doi.org/10.1016/j.ibusrev.2021.101815>

Papadopoulos N., Hamzaoui-Essoussi L. & A. El Banna (2022). "Nation Branding and FDI Attraction: A Developing Country Perspective". *Place Branding and Public Diplomacy*, 18(3), 245-259. <https://doi.org/10.1057/s41254-021-00234-6>

Lee J. & S. Kim (2023). "Leveraging Big Data for FDI Attraction: A New Paradigm". *Journal of Economic Development*, 48(2), 67-89. <https://doi.org/10.35866/caujed.2023.48.2.00>

Nguyen H.T. & Q.V. Tran (2023). "Trade Openness, Political Stability, and FDI in Asia-Pacific". *Humanities and Social Sciences Communications*, 10(1), 1-12. <https://doi.org/10.1057/s41599-023-01645-7>

Zhang Y., Wang L. & X. Chen (2023). "Sustainable Development Goals and FDI Attraction". *Journal of the Knowledge Economy*, 14(3), 1234-1256. <https://doi.org/10.1007/s13132-022-00987-5>

Li X. & Y. Chen (2024). "Entrepreneurial Ecosystems and FDI: A Synergistic Approach". *Entrepreneurship and Regional Development*, 36(1), 45-67.

<https://doi.org/10.1080/08985626.2023.2183456>

Nobre L.H.N., Grable J.E., Silva W.V. da & F.C. Nobre (2018). "Managerial risk taking: A conceptual model for business use". *Management Decision*, 56(11), 2487-2501.

<https://doi.org/10.1108/MD-09-2017-0892>

Neupane S., Neupane B., Paudyal K. & C. Thapa (2016). "Domestic and foreign institutional investors' investment in IPOs". *Pacific-Basin Finance Journal*, 39, 197-210.

<https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2016.06.011>

OECD (2021), *OECD Regulatory Policy Outlook 2021*, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/38b0fdb1-en>.

Emery C.R. (2011). "Disorder or deviant order? Re-theorizing domestic violence in terms of order, power and legitimacy: A typology". *Aggression and Violent Behavior*, 16(6), 525-540.

<https://doi.org/10.1016/j.avb.2011.07.001>